

## بررسی مختصری از خود سوزی زنان در ایران و عوامل اجتماعی-اقتصادی آن

نصرالله قاضی



بقیه در صفحه 2

نامه سرگشاده

انجمن های فرهنگی- اجتماعی گوتنبرگ (سوند)

## در پشتیبانی از کارگران و زحمتکشان ایران

بقیه در صفحه 3

## مصاحبه سایت اتحاد چپ کارگری با

صادق افروز

بقیه در صفحه 7

## روزنامه نگاران زندانی در ایران:

## شرایط هر روز سخت تر می شود

بقیه در صفحه 11

## اعتراضات گسترده در یونان به خشونت کشیده شد

بقیه در صفحه 12

لیست شماره ۱۰

اول ماه مه سال ۱۳۸۹

## شعارها سخن می گویند



بقیه در صفحه 4

## گفتاره ای سیاسی رادیو راه کارگر!

\* - اعتصاب معلمان برای آزادی و برابری به مناسبت روز معلم

\* - انتشار وسیع ایده اعتصاب در مقابله با

دیکتاتوری، دستاورد بزرگ حرکت معلمان

\* - حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم،

ظلمه پاسخ ملی به طرح برچیدن پارانه ها

بقیه در صفحه 5

## زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر

بیانیه رسمی شماره 3 شورای برگزاری

مراسم روز جهانی کارگر سال 89

به ضمیمه گزارش شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 از وقایع و برنامه های روز کارگر در شهرهای مختلف ایران

بقیه در صفحه 9

## من ؟ ک کارگر زنم؛ جرم ؟ ان است

جهان زنان

بقیه در صفحه 8

## بررسی مختصری از خود سوزی زنان در ایران و عوامل اجتماعی-اقتصادی آن

نصرالله قاضی

خودکشی معمولاً بالاترین درجه رنج و ناراحتی یک انسان را در ذهن تداعی میکند. خودکشی اقدامی است بمثابة آخرین راه گریز از بن بست های فرد در روابط درون اجتماع. درک این نکته که خودکشی راه حلی داوطلبانه نیست بلکه راهی تحمیلی است که حاصل روابط موجود در جامعه میباشد اهمیت فراوانی دارد. نتیجه بیش از سی سال حکومت جمهوری اسلامی در ایران عموماً و بدستی در افزایش بحران اقتصادی، سرکوب دموکراسی، پر کردن زندانها و کشتار روشنفکران، بستن روزنامه های مترقی و غارت و چپاول منابع طبیعی و غیره بیان میشود یکی از شاخص های عدالت اجتماعی در هر اجتماعی، سلامت آن جامعه است. سلامت نه فقط بمنزله فقدان بیماریها بلکه بعنوان شرایطی که افراد از نظر جسمی، روحی واجتماعی از سلامت کاملی برخوردار باشند تعریف میشود. برای روشن شدن مطلب و اینکه بحران اقتصادی چگونه در زندگی و مرگ مردم تاثیر میگذارد و یا سرکوب دموکراسی بچه صورت در آسیب زدن به سلامت روانی مردم موثر است، محققین ایرانی تحقیقات پر دامنه ای را در ایران انجام داده و یافته های خود را در نشریات علمی داخل و خارج از ایران منتشر ساخته اند. بدیهی است که جمهوری اسلامی مانع از درج این گزارشات در روزنامه های تحت کنترل خود است. گاه به گاه خبری در چند سطر کوتاه در روزنامه های محلی ویا سراسری درج میشود و از خودسوزی یک دختر جوان در خوزستان ویا خودسوزی زنی شوهردار در ایلام خبر میدهند.

یکی از ضرباتی که جمهوری اسلامی بر مردم ایران وارد آورده، شدت یافتن بروز شاخص های روحی و روانی در بین اقشار مختلف مردم و در گروه های سنی جوان در این دوره سی ساله حکومت و ی بوده است. این در حالی است که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که بیماری های روانی به تنهایی علت عمده خودکشی نیستند بلکه هنگامی که با مسائل اقتصادی و اجتماعی تلفیق میشوند سرعت آنها چند برابر میشود ضمن اینکه خود مسائل اقتصادی- اجتماعی نیز به تنهایی نمیتوانند سلامت روانی را آسیب برسانند.

محققین روانشناسی عوامل مختلفی را در رابطه با پدیده خودکشی موثر میدانند که از آن جمله سن، جنسیت، بیکاری، شرایط پر اضطراب، فشارهای گوناگون اجتماعی و سیاسی را میتوان نام برد. این عوامل هر یک به تنهایی یا با همدیگر شرایط لازم برای روی آوردن به اقدام به خودکشی را فراهم می سازند (1).

در چند سال اخیر گروه های تحقیقاتی بسیاری در دانشگاههای مختلف ایران به موضوع فکر به خودکشی و یا اقدام به خودکشی در استانهای متعدد پرداخته اند و نتایج علمی فوق العاده قابل توجهی را ارائه داده اند. به چند نمونه از نتایج علمی این گروه های تحقیقاتی در مورد پدیده خودکشی در ایران توجه کنیم.

"در غامی و خلیلیان" در سال 1377 در یک مطالعه 3 ساله در مازندران، 318 نمونه خودسوزی را بررسی کرده و متوجه شدند که 83 درصد کل خود سوزی ها بین زنان اتفاق افتاده است. اکثر زنان مورد نظردارای شوهر، خانه و زندگی و تحصیلات بوده اند و اختلافات خانوادگی علت عمده خودسوزی را تشکیل میداده است. هنگام بروز اختلافات خانوادگی که مستقیماً با ساختار خانواده و علی الخصوص ازدواج رابطه مستقیم دارد زن متوجه میشود که قوانین مدنی جامعه مب تنی بر مردسالاری از وی حمایت نمیکند و خود را بی دفاع مییابد "مقصودی و همکارانش" در بررسی خود سوزی های استان آذربایجان شرقی بین سالهای 1377-1381 تعداد 412 نمونه خودسوزی را که به مرکز سوختگی تبریز مراجعه کرده بودند مورد بررسی قرار دادند. مقصودی در گزارش خود اشاره میکند که 99 درصد از 412 نفررا زنانی تشکیل میدهد با سن متوسط 26 سال. اکثر این زنان دارای شوهر و خانه بوده اند و در صد بالائی از آنان از نفت بعنوان عامل آتش زا استفاده کرده اند. مرگ و میر این گروه نزدیک به 80 درصد کل گروه بوده است یعنی رقمی نزدیک به 330 نفر جان خود را از دست داده اند. در این مطالعه نیز مقصودی علت خودسوزی زنان ایرانی در استان آذربایجان شرقی را اختلافات زناشویی شناسایی کرده است.

"گروه تحقیقاتی محمدی" (2) در مطالعه علمی خود که در سال 1380 انتشار یافت نشان داد که در سطح کشور بیشترین رفتار خودکشی در ایرانیان در گروه های سنی 40-26 و 55-41 سال بوده است. براساس

این گزارش علمی رفتار خودکشی بیشتر در بین ازدواج کرده ها، طلاق گرفته ها و شاغلین دیده شده است. رفتار خودکشی در میان افرادی که طلاق گرفته اند و یا در بین افراد مجرد پدیده تازه ای نیست ولی مطلب پر معنایی که این مقاله علمی افشاء میکند از این حکایت دارد که رفتار خودکشی در بین زنان شوهر دار رو به ازدیاد است و این مطلب از اهمیت زیادی برخوردار است. نتایج علمی این گروه محققین بطور خلاصه نشاندهنده وضعیت اسف بار گروه های سنی میانسال در ایران میباشد که بخاطر مسائل اقتصادی و سایر مسائل اجتماعی راهی بجز خودکشی برای خود نمیابند.

گزارش علمی دیگری از استان اصفهان بیانگر همین حقیقت است. این گزارش که در سال 1384 انتشار یافت نشان میدهد که خودکشی از طریق خود سوزی بالاترین میزان خودکشی در سنین 15-29 سالگان را در استان اصفهان نشان میدهد. در طبقه بندی افراد ازدواج کرده، زنان شوهر دار بالا ترین ارقام را تشکیل میدهند. نویسندگان این گزارش تاکید می کنند که از 84 نفر که بعلت خودسوزی در فاصله نوزده سال 1380 تا نوزده سال 1381 به بیمارستانهای اصفهان مراجعه کر ده اند زنان 30-39 ساله بیشتر در معرض خطر خودکشی از طریق خود سوزی میباشد (3). جالب توجه این است که این مطالعه که در سطح استان اصفهان و در رابطه با خودکشی از طریق خود سوزی انجام شده است تخمین میزند که آمار خودکشی در سطح استان اصفهان کمتر از استانهای دیگر ایران میباشد. بر اساس آمار رسمی منتشره توسط سازمان بهداشت جهانی بالاترین آمار خودکشی از طریق خود سوزی متعلق به استانهای کردستان و ایلام میباشد (4). بعلاوه، از طرف محققان مختلف ایرانی آمار خودکشی از طریق خود سوزی در مناطق فارس، مازندران، تبریز، ی زد، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد نیز گزارش شده است.

خلاصه این گزارشهای علمی گویای آنست که گروه سنی بین 30-39 سال بالاترین رفتار خودکشی از طریق خود سوزی را به خود اختصاص میدهند و خودکشی زنان در این گروه سنی بیش از مردان میباشد (5-6). در مطالعه دیگری که "گروهی و همکارانش" در سال 1375 در استان کردستان انجام دادند به نتایج مشابه دو مطالعه قبلی رسیده اند (10-9-8).

بررسی گزارشهای علمی انجام شده در ایران حکایت از زندگی اسفبار و غم انگیز زنان ایران دارد. این گزارشها یکی از عوامل اصلی رفتار خودکشی از طریق خود سوزی را در زنان ایرانی عامل "ازدواج" تشخیص داده اند (7-5). اینکه چرا ازدواج یکی از محورهای اصلی رفتار خودکشی را تشکیل میدهد میتواند دلایل مختلفی داشته باشد. محققین ایرانی بر این عقیده هستند که عواملی چون سن کم زن در زمان ازدواج، تفاوت سنی زیاد بین زن و مرد، اعتیاد مرد به مواد مخدر، تنگ خوردن زن از شوهر، شرم و خجالت از طلاق گرفتن می توانند برخی از علل مختلفی باشند که زنان ایران را تحت فشار روحی- روانی شدید قرار میدهد و در نتیجه تنها راه نجات از رنج شدید را در خودکشی میابند. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی می زن خودکشی در اکثر کشورهای جهان در مردان بیش از زنان و در گروه های سنی بالای 45 سال است، در اروپا این رقم به بالای 75 سال میرسد. قابل توجه است که حکومت اسلامی ایران بادیستیایی به این تحقیقات راه حلی برای پیشگیری از توسعه این اعمال هول انگیز نداشته و دلایل مربوط به خودکشی را شخصی تلقی میکنند.

"علیرضا احمدی و همکارانش" در تحقیق دیگری که سال 1388 در شماره 29 مجله تحقیقات و مراقبت های سوختگی آمریکا منتشر کردند به این نتیجه رسیدند که 71 درصد از خودسوزی ها در ایران بین زنان اتفاق میافتد و سن متوسط این زنان 29 سال میباشد. به بیان دیگر تحقیق احمدی روشنگر آنست که زنان ایرانی بجای اینکه در بهترین دوران زندگی خود که یک انسان حق دارد در تولید و شکوفایی اقتصاد ملی شرکت کند، از مشارکت در فعالیتهای جامعه خود لذت ببرد، و در پرورش کودکان مفید باشد دست به خود سوزی میزنند. احمدی که استاد دانشکده پزشکی دانشگاه کرمانشاه میباشد اضافه میکند که خودسوزی در کردستان بیش از سایر مناطق ایران رواج دارد و بیشترین عامل آن ناشستن شغل و درآمد بوده است. وی تاکید میکند که فقدان دسترسی به امکانات پزشکی یا وجود بیماری روانی در خودسوزی های مورد مطالعه وی نقش موثری نداشته اند. نکته دیگر این گزارش تاکید بر وقوع این حوادث در خانواده های فقیر تر است (12).

در حوزه بیماریهای روحی- روانی اکثریت غریب به اتفاق محققین معتقدند که پیشگیری مهمتر از درمان است. پیشگیری بیماریهای روحی - روانی در رابطه مستقیم با شرایط زیستی انسانها در محیط زیست آنان میباشد.

نامه سرگشاده  
انجمن های فرهنگی - اجتماعی گوتنبرگ (سوند)  
**در پشتیبانی از کارگران  
وزحمتکشان ایران**

اول ماه مه ۲۰۱۰ (۱۱ اردی بهشت ۱۳۸۹) روز همبستگی جهانی با کارگران در برابر ما است.  
عید تان مبارک باد!

نظریه اینکه؛ چهره های شناخته شده جنبش سندیکایی ایران آقای علی نجاتی فعال سندیکایی نیشکر هفت تپه شوش، آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی از سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه، فعالان زن عالیله اقدام دوست و معلمین شناخته شده فرزند کمانگر، هاشم خواستار، رسول بدایق و... هنوز در زندان اند. نظریه اینکه؛ کارگران ایران همچنان از حق اعتصاب، تجمع، تشکل و تعطیلی با حقوق در روز اول ماه مه برخوردار نیستند.

نظریه اینکه؛ خواسته ها و مطالبات کارگران پیرامون تامین امنیت شغلی و بیمه بیکاری، تامین مسکن و بیمه های اجتماعی، تعیین حداقل دستمزد متناسب با تورم و گرانی، انحلال شرکت های ای بیمه‌کاری و قراردادهای موقت کاری، استخدام رسمی کارگران، پایان بخشیدن به سرکوب و زندان و حق داشتن تشکل مستقل برای کارگران توسط حاکمیت ج.ا.ا. تا به امروزی پاسخ مانده است.

ما امضا کننده این نامه سرگشاده در آستانه اول ماه سال ۱۳۸۹ بار دیگر اعلام می داریم؛ تنها مردمان ایران هستند که پیام آورانی با صلاحیت برای پیدا کردن راه برون رفت از بحران موجود (اقتصادی و سیاسی) کشورمان می باشند. رهایی از این بحران، بدون هیچگونه دخالت خارجی و تنها با مبارزه مردمان ایران به وقوع خواهد پیوست.

\* ما خواهان آزادی سریع و بی قید و شرط همه ی فعالین کارگری، فرهنگیان، فعالان زن، دانشجویان دربند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه ی احکام اداری و قضایی صادره برای یکایک آنان می باشیم

\* ما خواهان پایان دادن به قراردادهای موقت و برچیده شدن شرکت های بیمه‌کاری در سراسر ایران هستیم

\* ما خواهان پایان بخشیدن به تبعیض جنسیتی و آبارتاید جنسی علیه زنان و ایجاد شرایط مساوی کار و حقوق برابر برای زنان کارگر هستیم

\* ما از خواست تشکل های مستقل کارگران ایران در سطح سندیکایی، اتحادیه ای، شورایی و انجمنی پشتیبانی می کنیم

\* ما از اعتصاب معلمان ایران که به طور مشخص دریانیه "شورای هم‌انگهی تشکل های صنفی معلمان ایران" آمده و همچنین اعلام اعتصاب در هفته ی معلم (۲۰۱۸ اردیبهشت) در سراسر ایران و خواسته های آنان قویا پشتیبانی می نمایم.

\* سرانجام ما از بیانیه "شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹" و خواسته های آنان و تعطیلی روز اول ماه مه (۱۱ اردی بهشت) روز همبستگی جهانی کارگران، با دریافت حقوق و مزایای کارگری شان را به عنوان خواست عمومی کارگران ایران خواستاریم

کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوند)

اتحادیه ی آموزشی کارگران (آ.ب.ف) ABF

وبلاگ دفاع از مبارزات کارگران ایران

خانه فرهنگ و هنر - گوتنبرگ

کانون دفاع از آزادی بیان - گوتنبرگ

رادیو همبستگی با صدای کارگران - گوتنبرگ

فرهنگسرای اندیشه - گوتنبرگ (سوند)

آسیل کمیته ی - گروه ایران - گوتنبرگ

سپروس نوروز بیگی عضو جامعه دفاع از حقوق بشر و دمکراسی در ایران - گوتنبرگ

انجمن ایران همراه - گوتنبرگ

انجمن دوستی ایران و سوند - پارتیله

انجمن مهرگان - گوتنبرگ

انجمن قصه - گوتنبرگ

انجمن تئاتر آزاد - گوتنبرگ

کانون پژوهش فرهنگ ایران

رادیو همصدا - گوتنبرگ - انجمن فرهنگ غذای ایرانی و رژیم های غذایی - گوتنبرگ

بنیاد ادبیات و هنر - گوتنبرگ

رادیو سپهر - گوتنبرگ - مدیریت رادیو زاگرس - گوتنبرگ

انجمن مبارزه با مواد مخدر (رادیو تلاش)

محققین بسیاری نشان داده اند که شرایط عینی زندگی انسانها تعیین کننده ترین عامل خودکشی است. شرایط عینی شامل شرایط اجتماعی - اقتصادی - سیاسی نظیر اشتغال یا بیکاری، ازدواج و سطح تحصیلات، نوع مسکن و موقعیت اجتماعی فرد و غیره میباشد<sup>(1)</sup>.

یافته های مطالعات انجام شده در ایران حقیقت تلخی را بیان میکند. این تحقیقات نشان میدهند که منطبق و وقوع خودکشی در ایران با روند کلی خودکشی ها در سایر نقاط جهان (به استثناء افغانستان) متفاوت است. آمار سازمان بهداشت جهانی نشان میدهد که خودکشی ه ۱ در کشورهای آسیایی - آفریقایی بیشتر در مردان و گروه های سنی بالاتر از 45 سال اتفاق میافتد در حالیکه در ایران بین زنان و گروه های سنی 15 تا 39 سال اتفاق میافتد یعنی روندی غیر از روند عمومی جوامع دیگر

نگاهی به جامعه امروز ایران نشانگر بی حقی زن وستمکاری جمعه مرد سالار ایران است که پس از شکست انقلاب بهمن 57، توسط جمهوری اسلامی دامنه بیشتری یافته است. بی حقی زن در جامعه ایران از انتخاب رنگ لباس شروع و تا نداشتن حق نگهداری از فرزند خود در صورت طلاق ادامه مییابد و اینهمه از برکات جمهوری اسلامی ایران است. بی حقی زن در جمهوری اسلامی ایران از عدم حق شهادت در دادگاه های جنائی تا عدم حق اعتراض به چند همسری شوهرش ادامه مییابد. نداشتن حق ارث برابر با برادر، شوهر یا پدر خود تا عدم اجازه مسافرت بدون اجازه شوهر، پدر یا برادر بخشی از سیستم نا برابری سلامت اجتماعی زن در جمهوری اسلامی ایران میباشد. خواست های جنسی وحشیانه و یکطرفه مردسالاران در ایران بر علیه زنان که توسط جمهوری اسلامی حمایت و تبلیغ میشود فقدان سلامت اجتماعی زنان در ایران را به نوعی دیگری نمایش میگذارد. طبق توصیه مراجع تقلید جمهوری اسلامی در ایران نقش زن فقط آماده وی برای پذیرانی از مرد در منزل است. در تمامی تحقیقات انجام شده در ایران نشان داده شده که زنان شوهردار از شدت فشار بی حقی در تصمیم گیریهای مسائل جزئی زندگی به خشن ترین نوع فرار از وضعیت موجود یعنی اقدام به خود سوزی دست میزنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ماهیت ضد دموکراتیک و ضدیت با عدالت اجتماعی و با نگرش پوسیده ولایت فقیهیی خود به روابط زناشویی عملا از حل این نوع مسائل اجتماعی ناتوان بوده و تمام هم و غم خود را صرف بقاء چند روز بیشتر خود مینماید.

راه حل برون رفت از این شرایط اجتماعی برای زنان ایران را باید در گسترش هر چه بیشتر اتحادیه ها، سازمانها و نهادهای مستقل زنان در محلات، ادارات، بازار، کارخانجات، شهر و روستا و گردهمایی های زنان جستجو کرد. راه نجات از سیستم اجتماعی - اقتصادی - سیاسی حاکم در جمهوری اسلامی که آثار آن در روابط خانوادگی - زناشویی ایرانیان دیده میشود نه در خودسوزی و خودکشی بلکه در مبارزه سازمان یافته برای براندازی جمهوری اسلامی توسط زنان و مردان ایران با هم است

اردیبهشت 1389

منابع مورد استفاده:

Harris, E; Barraclough, B. (1997). Suicide as an outcome for mental disorders: a meta-analysis. Br J Psychiatry. 170:205-228.  
Mohammadi, M; Ghazizadeh, A; Rahegozar, M; Noorbala, A; (2005). Malekafzali, H; Davidian, H; Naghavi, H; Soori, H; Yazdi, S. (2005). Suicidal attempt and psychiatric disorders in Iran. Suicide and Life-Threatening Behavior, 35 (3), 309-316.  
Lari, A; Joghatei, M; Adeli, R; Zadeh, Y; Alaghebandan, R. (2007). Epidemiology of suicide by burns in the province of Isfahan, Iran. Journal of Burn Care & Research Vol 28, No 2, 307-311.  
WHO. (2002). Self-directed violence. Geneva: World Health Organization.  
Suicide huge but preventable public health problem, say WHO. (2004)  
WHO. World Health Organization.  
Suicide rate (per 100,000) by country, year and gender. WHO. (2004)  
Geneva, World Health Organization.  
Mabrouk, AR, Mahmood Omar AN, massoud K, Magdy Sharif M. El Sayed N. (1999). Suicide by burns: a tragic end. Burns 25: 15-20.  
Maghsoudi, H. Garadji, A. Jafary, G. Azarmir, G. Aali, N. Karimian, B. Tabrizi, M. (2004). Women victims of self inflicted burns in Tabriz, Iran. Burns, 30, 217-220.  
Zarghami, M. Khalilian, A. (2002). Deliberate self-burning in Mazandaran, Iran. Burns, 28, 115-119.  
Groohi, B. Rossignol, MA. Barreor, P. Alaghebandan, R. (2006). Suicidal behavior by burns among adolescents in Kurdistan, Iran. Crisis. Vol 27(1):16-21.  
Açikel C. Peker F, Ebrinç S, Ülkür E, Çeliköz B. Self-inflicted Burns Initiated as a Socio-Economic or Political Protest. Annals of Burns and Fire Disasters 2001;14:168-72  
Alireza Ahmadi, Journal of burn care & research : official publication of the American Burn Association, vol 12, May-Jun 2008



## شعارها سخن می گویند



امیرجوهری لنگرودی

دوستان نازنین خواننده

این لیست شعارها، سری بعدی شعارها، عمدتاً بعد از چهارشنبه سوری به این سواست.

شعارهای زیر عمدتاً دربرگیرنده، شعارها و پلاکارد و عکس های بدست آمده ویوتوپ هایی است که برای پیشواز اول ماه مه سال ۸۹ در درون کشور فراهم آمده است. امید آنکه از ویوتوپ ها در سایت شعارها استفاده شود.

برای چندمین بار اعلام می دارم: این شعارها، همه شعارهای داده شده در سراسر ایران نیست. شما نیز می توانید در انجام این کار، به من یاری رسانید یا خود مستقلاً به جمع آوری شعارها بپردازید تا این مرحله از پیشروی جنبش مردم ما وسطوح گوناگون مطالبات آنان درجایی ثبت شود.

برای اطلاع آن دسته از دوستانی که برای اولین بار این شعارها را می بینند، یاد آور می گردم که من برای پسند خود یا آن دوگرا، این شعارها را جمع آوری نمی کنم، بلکه برای ثبت حافظه تاریخی مبارزات مردم ما دست به این کار زده و آنرا دنبال می نمایم. خواه که خوشتان بیاید یا که نیاید.

همانگونه که پیشتر آوردم:

این شعارها از میان گزارشات، فیس بوک ها، ویوتوپ ها، ایمیل ها و مطالب تویتر درون کشور فراهم آوردم. از همه دوستانی که برای صفحه فیس بوک ام شعار ویوتوپ های جدید می گذارند، یا به همین ایمیل ام شعار ارسال می دارند، سپاسگزارم. یاری هایی از این نوع به استمرار این وظیفه از جانب من انجامد

در صورت امکان، تکمیل اش کیند تا برای این مرحله از تاریخ مبارزات مردم ایران درس آموز باشد.

می توان و باید از مبارزان داخل کشور در برابر و در رویی با آتش گلوله و توپ و تانک تمامیت ارتجاع جمهوری اسلامی و ایستادگی ها و مقاومت میلیون ها تن از دختران- پسران- زنان و مردان و همراه شده گان یک پیکار توده ای در سراسر ایران آموخت.

پیشاپیش فرار سیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران را به همه شما دختران و پسران جوان و زنان سراسر ایران و جهان تبریک می گویم.

باشد که مبارزات امسال شما و ما پاسخ همه جانیه ای باشد، علیه تاریک اندیشان دینی و کل نظام جمهوری اسلامی ایران باشد.

آن دسته از دوستانی که علاقمند به دریافت لیست های پیشین انتشار یافته شعارها هستند، در صورت تمایل می توانید به لینک زیر مراجعه کنید و آنرا برای دوستان خود نیز بفرستید.

با سپاس و امتنان

(چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۸۹ برابر ۶ آپریل ۲۰۱۰)

## شعارها:

کارگر بیدار است / از دیکتاتور بیزار است

پول نفت چي شده/ خرج بسیجی شده

یا مرگ یا عدالت / مرگ بر این ولایت

کارگر زندانی آزاد باید گردد

کارگر به پا خیز/ برادرت کشته شد

نه سازش نه تسلیم / مرگ بر خامنه ای

کارگر بیدار است / دشمن این نظام است

کارگر بیدار است / از این نظام بیزار است

خون شهید می جوشد/ کارگر می خروشد

ما همه کارگر هستیم / علیه رهبر هستیم

سید علی ستمگر / هر روز روز کارگر

رهبر ولایت میکنه / کارگر را غارت میکنه

مدعی حق نمیخوایم / قدرت مطلق نمیخوایم

کارگران بیدارند/ از این رژیم بیزارند

یه ملتی به کارگری / رهبر سر غارتگری

کارگر، دانشجو / پیوندتان مبارک

کارگر با غیرت/ حمایت حمایت

یا مرگ یا عدالت / مرگ بر این ولایت

کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد/ علیه ظلم و بیداد

تا حق خود نگیریم/ از پا نمی نشینیم

برادر زفتگر/ سید علی را وردار ببر

برادر کارگر/ بر خیز علیه رهبر

بردگی کارگر نمیخوایم این عنتر و این رهبر نمیخوایم

ای لوطی عنتری / هفته که باید بری

یه ملتی به کارگری / سپاه سر غارتگری

ما دزد و کلاش نمیخوایم / رژیم اوپاش نمیخوایم

ندای ما نداست بلندترین ندا / مرگ بر این نظام

کارگر گرسنه / دشمن این نظام است

آزادی آزادی / حق مسلم ماست

معلم، دانشجو، کارگر، متحد یکدگر / علیه این ولایت

نظام ولایت/ نابودی کارگر

نظام ولایت / دشمن کارگر

بیگاری، فقر، گرانی/ شاهکار این ولایت

تعطیلی کارخانه /شاهکار خامنه

وزیر کار، خجالت/ ای مرگ بر این ولایت

چرا سرکوب؟ چرا اخراج؟ چرا زندان؟ / ای مرگ بر این ولایت

نه بد می خوایم، نه بدتر / فقط دنیای بهتر (جمعی از

کارگران ایران خودرو)

ما همه کارگر هستیم / علیه رهبر هستیم

روز جهانی کارگر را به قیام بر علیه اصل ولایت فقیه تبدیل

کنیم (پلاکارد)

آزادی و عدالت / این است شعار ملت

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی



## گفتاره ای سیاسی رادیو راه کارگر!

### اعتصاب معلمان برای آزادی و برابری به مناسبت روز معلم

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده است که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و جمعی از فعالین این تشکل قصد دارند که به مدت یک هفته دست به اعتصاب غذا بزنند. این اعتصاب که از ۱۲ اردیبهشت آغاز خواهد شد و تا ۱۸ اردیبهشت ادامه خواهد پیدا کرد در اعتراض به سرکوب و بازداشت معلمان، شرایط کاری و فضای امنیتی مدارس برگزار میشود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان با انتشار بیانیه ای ضمن اعلام این خبر از همه معلمان ایران خواسته است که به این اعتصاب بپیوندند. این بیانیه خواستار آزادی همه فرهنگیان زندانی، خاتمه یافتن تعقیب، بازداشت و سرکوب معلمان منتقد، سرمایه گذاری دولت در آموزش و ارتقاء آموزش، غیر ایدئولوژیک شدن سیستم آموزشی و کتابهای درسی، رفع فضای امنیتی در مراکز آموزشی و تاحین امنیت شغلی فرهنگیان شده است.

### انتشار وسیع ایده اعتصاب در مقابله با دیکتاتوری، دستاورد بزرگ حرکت معلمان

دیروز روز جهانی کارگر بود؛ روزی که از همین روز در یک سال پیش از جهت وسعت برگزاری آن و فراگیری اش و همچنین بسیج گسترده نیروهای گاردویژه، انتظامی؛ پاسدار؛ بسیجی و لباس شخصی در تهران و به میزانی کمتر در شیراز و تبریز و قزوین برای مقابله با تجمعات کارگری، از سوی دستگاه ولایی شاخص و متمایز بود. بویژه نباید از خاطر برد که تجمع اعتراضی پراکنده در تهران و تجمعات اعتراضی در چندین شهر دیگر در روز جهانی کارگر در حالی صورت گرفته است که سرکوب ها بسیار شدید است و هر کس که برای اعتراض پا به خیابان می گذارد قطعاً خطر دستگیری و زندان و شکنجه و سلول انفرادی و حتی تجاوز جنسی و محکوم شدن به عنوان محارب با نظام را با خود سبک سنگین کرده و با علم و اطلاع از وحشی گری توصیف ناپذیر دستگاه ولایی و امنیتی ها و پاسدارانش در تجمع حضور یافته است. اشاره به همین واقعیت کافیه تا نشان دهد که سرکوب ها با وجود شدت و دامنه آن نتوانسته است فضای گورستانی در جامعه حاکم کند و یاس و سرخوردگی را در مردم تقویت کند. صدای فریادهای مرگ بر دیکتاتور در دانشگاه تهران در واکنش به حضور دزدانه احمدی نژاد نیز که با تجمعات کارگری همزمان شد، انزوی دستگاه ولایی را نشان می دهد. دیروز اما هر چه بود با ویژگی هایش گذشت. هر چند بازتاب هایش هنوز در راه است. در هر حال امروز 12 اردیبهشت روز معلم بود. مطابق فراخوانی که از سوی ش. وراي هماهنگی تشکل های صنفی معلمان انتشار یافت، از امروز به مدت یک هفته معلمان دست به اعتصاب غذا می زنند. آزادی همه فرهنگیان زندانی، خاتمه یافتن تعقیب، بازداشت و سرکوب معلمان منتقد، سرمایه گذاری دولت در آموزش و ارتقاء آموزش، غیر ایدئولوژیک شدن سیستم آموزشی و کتابهای درسی، رفع فضای امنیتی در مراکز آموزشی و تامین امنیت شغلی فرهنگیان بخشی از دلایل اعتصاب غذای معلمان است. هر یک از این مطالبات آنقدر اهمیت دارد که از همدلی و حمایت همه آزادی خواهان و مدافعان پیگیر عدالت اجتماعی برخوردار شود. باید امیدوار بود که در عمل نیز این حمایت و همبستگی از معلمان دریغ نشود. این واقعیت را نه تنها مخالفان دستگاه ولایی و دولت امنیتی / نظامی کارگزار این دستگاه می دانند، که خود هیات حاکمه نیز دریافته و به سلاح همیشگی خود یعنی بازداشت و زندان و شکنجه و تهدید رو آورده است تا صدای اعتراض معلمان را هر چه زودتر خاموش کند. آنچه اما به موازات این خواست های مهم و حیاتی باید مورد توجه قرار بگیرد، طرح اعتصاب به عنوان شکل اعتراض به بی حقی ریشه دار جامعه معلمان و فرهنگیان کشور است. در واقع اگر فرض و فقط فرض کنیم که با فشار شدید سرکوبگران موقتا هیچ اعتصابی هم از سوی معلمان در هفته پیش رو صورت نگیرد، باز بزرگ ترین دستاورد این حرکت از هم اکنون حاصل شده است و آن انتشار ایده اعتصاب به عنوان راهکاری مهم و حیاتی در مبارزه برای مطالبات و خواست های معلمان است. معلم که مشعل آگاهی یک نسل است، با طرح ایده اعتصاب راه پیشروی جنبش ضد دیکتاتوری را نشان می دهد. و این ایده هر چه بیشتر گسترش یابد و در میان اقشار و لایه های اجتماعی معترض به دیکتاتوری از مقبولیت بیشتری برخوردار شود، مقابله با آن برای دولت و دستگاه ولایی هم سخت تر خواهد شد. راستی چطور می تواند ب ازنجیره ای از اعتصابات در کارخانجات و مدارس؛ و حوزه خدمات و حمل و نقل شهری مقابله کند؟ در جامعه ای که دولت نفتی حجیم و متورم چون بختکی بر سر همه امور افتاده است، شکل گیری اعتصابات زنجیره ای مستقیا به فلج شدن دولت و استیصال آن منجر می شود. وقوع زنجیره ای از اعتصابات نیروهای سرکوب را به تعداد رشته های زنجیر پراکنده می کند، تنوع خواست ها و مطالباتی که می تواند به عنوان بستر هر اعتصاب مطرح

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام کرده است که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و جمعی از فعالین این تشکل قصد دارند که به مدت یک هفته دست به اعتصاب غذا بزنند. این اعتصاب که از ۱۲ اردیبهشت آغاز خواهد شد و تا ۱۸ اردیبهشت ادامه خواهد پیدا کرد در اعتراض به سرکوب و بازداشت معلمان، شرایط کاری و فضای امنیتی مدارس برگزار میشود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان با انتشار بیانیه ای ضمن اعلام این خبر از همه معلمان ایران خواسته است که به این اعتصاب بپیوندند. این بیانیه خواستار آزادی همه فرهنگیان زندانی، خاتمه یافتن تعقیب، بازداشت و سرکوب معلمان منتقد، سرمایه گذاری دولت در آموزش و ارتقاء آموزش، غیر ایدئولوژیک شدن سیستم آموزشی و کتابهای درسی، رفع فضای امنیتی در مراکز آموزشی و تاحین امنیت شغلی فرهنگیان شده است. امضا کنندگان این بیانیه پرسیده اند: «از آنجا که برخی ایران را «آزاد ترین کشور جهان خوانده اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرید، بازنشسته اجباری، تنزل رتبه شغلی، محرومیت از تدریس و... مواجه می شوند؟ هزینه هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به لحاظ انتقاد تحمل کرده و می کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته ی تقدیر و تحسین است. فرهنگیان «آزادترین کشور جهان»!! می خواهند بدانند امثال بدایق ها، خواستارها، داوری ها و مومنی ها چه جرمی مرتکب شده اند که باید بدون محکومیت، ماه ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوقشان قطع و فرزندان خردسالشان در سختی و مضیقه مادی، نا امنی و نا امید و سراسیمگی زندگی کنند. معلمان چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده اند.» بیانیه شجاعانه شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران نه تنها از حقوق صنفی فرهنگیان کشور دفاع کرده، نه تنها به افشای سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی پرداخته، بلکه با دعوت معلمان به اعتصاب غذا، گامی بزرگ در جهت گسترش نافرمانی و مبارزه علیه دولت اسلامی برداشته است. معلمان بخش مهم و برجسته ای از نیروی کار در ایران و در زمره محرومترین کارگران ایران اند. نقش معلمان همچنین به دلیل اهمیت حیاتی آنان در عرصه آموزش و تربیت نسل آینده بسیار برجسته است. این بیانیه به سه دلیل ویژه حائز اهمیت فوق العاده ای است:

بنا به آمار رسمی جمعیت دانش آموزی کشور بیش از ۲۰ میلیون است و اکثریت عظیم اینها در مدارس دولتی مشغول به تحصیل اند. همچنین نزدیک به دو میلیون نفر در آموزش و پرورش ایران شاغل اند. به این تعداد اگر دانشجویان و اساتید دانشگاه ها را نیز اضافه کنیم کاملاً واضح است که چه نیروی شگرفی در این بخش از جامعه نهفته است. سیاست های جمهوری اسلامی بیش از پیش این نیروی عظیم را در مقابل خود می یابد. برای درک عمق اسفبار بودن سیستم آموزشی ایران و شرایط کاری معلمان تنها کافی است که به چند نکته توجه کرد. سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص ایران تنها ۴ درصد است. در این عرصه ایران از بسیاری از کشورهای جهان سوم عقب تر است. همچنین سهم آموزش از اعتبارات جاری دولت تنها ۷ درصد است. معلمان در جهان در زمره لایه های محروم هستند و طبق آمار یونسکو نزدیک به ۶۰ درصد از معلمان جهان در زیر خط فقر زندگی میکنند. اکثریت عظیم این ۶۰ میلیون در کشورهای در حال توسعه زندگی میکنند. سطح رفاه و شرایط زندگی معلمان در کشور هایی همچون ایران سال به سال کاهش پیدا می کند و جاذبه شغل معلمی کمتر میشود. بخش قابل توجهی از معلمان ایران پیمانی هستند و درآمدها کمتر از یک سوم خط فقر است. مشکل معلمان ایران اما یکی و دو تا نیست. در کنار اینها نباید خصلت ارتجاعی رژیم اسلامی، بدعت گذاریهای دستگاه دولتی در آموزش و پرورش، حذف و سانسور بسیاری از کتابها و یا سوژ های درسی، پاکسازی معلمان در تمام ۳۰ سال گذشته، سرکوب، بازداشت و اعدام فرهنگیان را فراموش کرد. بیانیه منتشره از سوی معلمان با صراحت بر این نکات انگشت می گذارد. این بیانیه با شجاعت به سرکوب فرهنگیان، سیاستهای ضد فرهنگی و ضد علمی و همچنین خصوصی کردن آموزش و پرورش اعتراض می کند. آنچه که بویژه از اهمیت برخوردار است، اعلام اعتصاب غذا از سوی امضا کنندگان این بیانیه و دعوت از پیوستن

شود، ظرفیت همراهی بخش وسیعی از مردم را فعال می کند اعتصاب نه تنها شجاعان از جان گذشته و بی باک که شهروندان ناراضی عادی را هم که معمولاً فقط در صورت پابین بودن هزینه حاضر به شرکت در اعتراضات و بیان نارضایتی خویش هستند می تواند فراگیرد و به میدان بکشد. اعتصاب در صورت مداومت می تواند زمینه ساز شکل گیری تشکل های توده ای پرقدرت شود و از این طریق پراکندگی را کاهش دهد؛ انسجام مبارزاتی را تقویت کند و اتحاد عمل ها را وسعت داده و شکل های پایدارتری از اتحاد عمل را امکان پذیر سازد. اعتصاب که در نقطه شروع معمولاً در میان گروه های هم سرنوشت، هم حرفه، هم درد، همکار، و هم صنف آغاز می شود همبستگی درون گروهی را تقویت می کند و رابطه مبارزاتی میان هم سرنوشت تان را غنا می بخشد؛ و سرانجام آنکه اعتصاب فرصت بی همتایی در شکوفایی استعداد های سازمانگری، ظهور طیفی از فعالان جدید و شبکه های نوین ارتباطی است. همه این ها را دیکتاتوری حاکم که از درون یک انقلاب سر بر آورده و تاثیرات اعتصاب های دوره انقلاب 57 را در درم شکستن کمر دیکتاتوری سابق در خاطر دارد بهتر از همه می داند به همین دلیل است که فوراً به بستن پیامک ها و سانسور کلمات معلم و آموزگار در پیامک ها اقدام کرده است. می خواهد راه انتقال خیر اعتصاب معلمان را در جامعه سد کند، می خواهد ایده اعتصاب پخش نشود. دستگاه ولایی از مطالبات معلمان همانقدر وحشت دارد که از عمومیت یافتن ایده اعتصاب به عنوان راهکار حیاتی مبارزاتی در شرایط پر هزینه بودن تظاهرات خیابانی. و همین ایده است که معلمان به شکلی برجسته مطرح کرده اند، همین ایده است که اکنون بسرعت در میان معترضان و سرکوب شده گان در حال گسترش است. 2 ماه مه 1388

## حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، طلوعه پاسخ ملی به طرح برچیدن یارانه ها

دانشجویان نخستین حرکت مستقیم اعتراضی مرتبط با برچیدن یارانه ها را کلید زده اند. دانشگاه که سنگر مقاومت و ایستادگی در برابر دیکتاتوری است و با حساسیت شایان تحسینی در برابر ظلم و بی عدالتی واکتف نشان می دهد با این حرکت زمینه عمومی شدن اعتراض به برچیدن یارانه ها در دانشگاه ها در گام نخست و در سطوح دیگر در جامعه مثل کارخانه ها؛ مدارس؛ محلات، مراکز بزرگ و عمومی عرضه کالاها در کلان شهرها را نشان داده است. نه نگرانی و اعتراض منفعل و تحمل و سکوت، نه صبر و انتظار، بلکه مقابله فعالانه و اعتراض عملی؛ جمعی و تا حد امکان سازمان یافته این در میان اخبار امروز حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران بی تردید از اهمیت کلیدی برخوردار است. این دانشجویان در حقیقت در برابر وطنه خرنده دولت و دستگاه ولایی در اجرای طرح برچیدن یارانه ها راه درست و اصولی را نشان داده و حرکت شان سرمشقی ستودنی است. دانشجویان در اعتراض به طرح دانشگاه مبنی بر حذف یارانه غذای دانشجویی دست به اعتراض و تحصن زدند. بر اساس این طرح قرار است با حذف یارانه غذای دانشجویی مبلغی تحت عنوان یارانه نغدی به دانشجویان پرداخت شود اما دانشجویان اعتراض کردند که مبلغ پرداختی در صورتیکه پرداخت شود قطعاً هزینه غذای آنها را تامین نخواهد کرد. دانشجویان شعار دادند: « تا حذف یارانه همن بساطه».

سه عنصر مهم و اساسی در حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران وجود دارد که شلیان مکت است.

اولاً: پایه اعتراض دانشجویان بی اعتمادی به دولت و مسئولان است. دولت و مسئولان رژیم اسلامی با عملکردهای خود همه اسباب و لوازم این بی اعتمادی را فراهم آورده اند. به وعده های آنها و طرح های آنها به هیچ رو نمی توان اعتماد کرد مثلاً آنها بارها گفته اند که طرح برچیدن یارانه ها را قبل از پرداخت نغدی به دهک های پائینی اصولاً اجرا نخواهند کرد. دروغ گفته اند! و در حالی که همچنان حرف می زنند و وعده می دهند و دروغ می گویند گرانی روز به روز افزایش بیشتری یافته است، تا جایی که افرادی از خود این حکومت که سابقه حمله به منصور اسالو با کارد موکت بری هم دارند در اجلاس های در بسته فریاد می زنند که « نان، گوشت، شیر، حمل و نقل عمومی و هزینه های درمان از 25 تا 75 درصد در ابتدای سال افزایش پیدا کرده است. » کار به جایی رسیده است که افرادی مثل صادقی از اتحادیه پیشکسوتان کارگری تهدید می کنند که اگر دولت تا تیرماه نسبت به افزایش مستمری ها اقدام

کنند، کارگران بازنشسته در طول هفته تامین اجتماعی مقابل مجلس تجمع خواهند کرد. در این شرایط که حتی فریاد خودی های نظام هم از دروغ ها و وعده های توخالی و گرانی سرسام آور و حرکت خرنده دولت نظامی / امنیتی بلند شده است؛ امید بستن به وعده ها و طرح های دولت و دست روی دست گذاشتن خوشبختی زیان بخش و ساده لوحی مطلق است. حرکت دانشجویان از همین جهت مهم است. دانشگاه ترتیب معلم برای تست برنامه حذف یارانه در مقیاس دانشگاهی انتخاب شد. نتیجه تست مسئولان در برابر آنان است و باید دید آیا با وجود اعتراضاتی که با آن روبرو شدند خواهند توانست همین طرح را در دانشگاه های دیگر هم اجرا کنند یا ترفند تازه ای تدارک خواهند دید؟

دومین عنصر مهم در حرکت دانشجویان این است که آنها نخستین حرکت مستقیم اعتراضی مرتبط با برچیدن یارانه ها را کلید زده اند. دانشگاه که سنگر مقاومت و ایستادگی در برابر دیکتاتوری است و با حساسیت شایان تحسینی در برابر ظلم و بی عدالتی واکتف نشان می دهد با این حرکت زمینه عمومی شدن اعتراض به برچیدن یارانه ها در دانشگاه ها در گام نخست و در سطوح دیگر در جامعه ه مثل کارخانه ها؛ مدارس؛ محلات، مراکز بزرگ و عمومی عرضه کالاها در کلان شهرها را نشان داده است. نه نگرانی و اعتراض منفعل و تحمل و سکوت، نه صبر و انتظار، بلکه مقابله فعالانه و اعتراض عملی؛ جمعی و تا حد امکان سازمان یافته. این است پیام حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران.

سومین عنصر مهم این حرکت اعتراضی در آمیختگی سریع خواست صنفی مخالفت با حذف یارانه غذا با شعارهای سیاسی و ضد دیکتاتوری است. این عنصری است که نه تنها در دانشگاه که در سطح جامعه نیز با پیروی از قانون توازن قوا می تواند در سطوح مختلف پیدار شود. منطق آن هم روشن است: مخالفت با گرانی وحشتناک قیمت آب و برق و سوخت و نان و شیر و بهداشت و درمان مخالفتی است با یک سیاست، و بنابراین مخالفت با دولت و دستگاه ولایی است. هر قدر که حفظ سطح زندگی و مقابله با گرسنگی و فقر و تهیدستی ناشی از حذف یارانه ها با سیاست های دولت و نظام ولایی پیوندهای عمیق تر و مستقیم تری داشته باشد به همان میزان ظرفیت بالقوه بیشتری برای انتقال از خواست های صنفی به مطالبات سیاسی فراهم می شود. مردم ایران گوشت قربانی نیستند که دولت ولایی در اجرای نسخه های ویرانگر شوک ترابی بانک جهانی و صندوق بین المللی آنان را بر تخته جراحی آش و لاش کنند. مردم ایران به سقوط سطح زندگی؛ و به طرح تهاجمی دولت و دستگاه ولایی پاسخ خواهند داد. حرکت درخشان اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران ظلیعه همین پاسخ است و از همین رو شایسته است تا سرمشق همه قربانیان نقشه تجاوز و تعدی دولت و دستگاه ولایی قرار بگیرد. می 4، 2010

## اخراج ۳۰۰ کارمند شرکت هواپیمایی تابان

کلمه: با ممنوعیت پرواز هواپیماهای روسی توپولف بیش از ۳۰۰ کارمند یک شرکت هواپیمایی ایرانی در آستانه اخراج قرار گرفتند. یک منبع آگاه در سازمان هواپیمایی کشور با اعلام این خبر گفت: در پی دستور العمل سازمان هواپیمایی کشور مبنی بر توقف پرواز توپولف های استیجاری، شرکت هواپیمایی تابان علاوه بر زیان شدید اقتصادی به دلیل از رده خارج شدن ۵ فروند هواپیمای توپولف اجاره ای، مجبور است نیمی از ۷۰۰ پرسنل ایرانی خود را تعدیل و اخراج کند.

به گفته وی بر اساس دستورالعمل سازمان هواپیمایی کشوری از ابتدای اردیبهشت امسال اجازه پرواز برای هیچ هواپیمای توپولف صادر نشده و در این مدت بیش از ۳۰۰ پرواز شرکت تابان لغو شده که این مساله زیان شدیدی را متوجه این شرکت کرده است.

گفتنی است شرکت هواپیمایی تابان ۱۰ فروند هواپیما در اختیار داشت که پنج فروند آن توپولف اجاره ای بود و اخیراً با اجرای دستورالعمل سازمان هواپیمایی کشور برنامه پرواز این شرکت دچار بی نظمی ها و تاخیرهای زیادی شده و مسافران این شرکت بعد از ساعت ها سرگردانی در فرودگاههای داخلی و خارجی مجبور به استفاده از سایر خطوط هواپیمایی شدند.

اوایل بهمن ماه سال گذشته پرواز آبادان - مشهد هواپیمای شرکت هوایی تابان هنگام فرود در باند فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد دچار سانحه و آتش سوزی شد که ۳۰ نفر از مسافران زخمی شده بودند.

15 اردیبهشت 1389



## مصاحبه سایت اتحاد چپ کارگری

با صادق افروز

**سوال اول:** پس از خاتمه انتخابات ریاست جمهوری دهم که با آن هم جنجال و تقلب توأم بود و پی آمد آن، شورش ها و اعتراضات وسیع توده ای که شهر های بزرگ را در بر گرفت و به جریحه دار شدن احساسات مردم در سطحی بسیار گسترده منجر شد متأسفانه شاهد بودیم که بعضی از روسای جمهور رژیم های مترقی آمریکای لاتین بدون در نظر گرفتن این واقیعیات برای احمدی نژاد پیام تبریک فرستادند. شما این پدیده را چگونه ارزیابی می کنید؟

**پاسخ اول:** همانگونه که در قطعنامه کنگره 14 سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر 1- (در رابطه با اینگونه برخوردها آمده است چنین اقداماتی از طرف هر سازمان و دولت و حزب و دسته ای باشد محکوم است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قابل دفاع نیست. کارنامه و زندگی این رژیم از ابتدای تولد در بهمن 57 تا به امروز مملو از استبداد، خون ریزی و زندان و شکنجه انسان های مترقی و آزادیخواه، دستگیری فعالین سندیکایی، قتل نویسندگان و فعالین دانشجویی چپ و دمکرات و اعضای سازمان های کمونیست و دمکرات بوده است. بسیاری از چهره های برجسته مقاومت که در دوران شاه به زندان های طولانی محکوم شده بودند و در جریان انقلاب 57 و فشار توده ها از زندان ها آزاد شدند مجدداً توسط عوامل جمهوری اسلامی دستگیر و به جرم اشاعه بی دینی و مرام سوسیالیستی اعدام شدند. من می توانم یک لیست طولانی از این مبارزان انقلابی خدمتان عرضه کنم به رفقای سوسیالیست و کمونیست خودم در کشور های آمریکای لاتین باید بگویم خیلی از مبارزان ایرانی تنها به جرم داشتن عکسی از چه گوارا یا نواری از ویکتور خارا دستگیر شدند. آندسته از نیروهای چپی که از رژیم کودتایی احمدی نژاد دفاع می کنند یا منافع خاصی را دنبال می کنند یا در چنان چنبره ایدئولوژیکی گیر افتاده اند که قادر به دیدن کل قضیه نیستند و تنها از یک منفذ کوچک ضد امپریالیستی به جهان نگاه می کنند اگر قرار باشد یک تنوری ما را به هواداری از یک رژیم جنایتکار آدمکش ببیند آن تنوری را بهتر است که بدور انداخت. در همان سطل زباله ای که تنوری سه جهان و راه رشد غیر سرمایه داری رفرمیست های سازشکار را در خود جای داد.

ما در تاریخ 50 ساله خودمان از این دهن کجی ها زیاد دیده ایم. آن موقع که "سلطان زاده" جزمی زد که این قزاق سابق "رضا میر پنج" سر سپرده انگلیس است و مخالفتش با شیخ خزئل در خوزستان نه به دلیل موضع ضد فئودالی بورژوازی ملی مترقی با فئودال ها بلکه ناشی از تغییر سیاست انگلیس در رابطه با ایران و دفاع از حکومت مرکزی قوی است، در کمینترین کسی گوشش بدهکار نبود و حزب کمونیست ایران را به دفاع از رضا میر پنج تشویق می کردند. یا بیست سال بعد به جای دفاع از حکومت دمکراتیک آذربایجان آن را بدون پشتیبانی در برابر گرگ های امپریالیست و آخوند ها و فئودال ها تنها گذاشتند و یا هنگامی که افسران دلاور سازمان نظامی در برابر جوخه های تیرباران سربازان رژیم کودتایی محمدرضا شاه در آخرین لحظات زندگی فریاد زنده باد سوسیالیسم سر میدادند در مسکو برای شاه، این مهره سر سپرده امپریالیسم فرش قرمز انداختند. یا بعد از کشتار 17 شهریور در میدان ژاله تهران سر و کله رئیس جمهور چین در ایران پیدا شد برای عقد قرار داد های اقتصادی و سیاسی. خوب این ها همه دهن کجی به انقلاب مردم ماست به احساسات مردم ماست. نادیده گرفتن جنبش اصیل توده هاست. آقایان سران کشور های مترقی آمریکای لاتین را ادامه همین سنت منافع مردم ایران را ندیده می گیرند. آنها از منافع خاص کشور خود دفاع می کنند. این سنت هیچ ربطی به سنت انترناسیونالیست های کارگری ندارد. هیچ ربطی به آموزش های مارکس ندارد. مانیفست مارکس با دعوت از همه کارگران جهان به اتحاد پایان می یابد. کسی نمی تواند خود را پیرو او بداند و با فاشیست ها و دیکتاتور هایی که دستشان به خون مارکسیست ها و فعالین کارگری و دمکرات ها آغشته است معاهده دوستی ببندد.

**سوال دوم:** شما به سنتی در جنبش کارگری اشاره می کنید که از منافع بومی و کشوری و ناسیونالیستی حرکت می کند تا منافع جهانی کارگران و زحمتکشان. ریشه این انحراف در کجاست؟

**پاسخ دوم:** اگر بخواهیم به این انحراف از دید تاریخی نگاه کنیم ریشه اش برمی گردد به قدرت گیری جناح استالین - بوخارین در حزب

کمونیست اتحاد شوروی پس از فوت لنین در 1924 تا آن زمان همه رهبران انقلاب اکثراً بر این عقیده بودند که امکان پیروزی انقلاب کارگری در یک کشور وجود دارد ولی برای برقراری سوسیالیسم در یک کشور تنها ممکن نیست. بر طبق آموزش های مارکس بین وجه تولید سرمایه داری و وجه تولید سوسیالیستی یک دوران گذار وجود دارد. دولت کارگری با کمک به کارگران دیگر کشور ها امکان پیروزی انقلاب در آن کشور ها را فراهم می کند. این دولت ها با همکاری یکدیگر امر انتقال به سوسیالیسم را به پیش می برند. غلبه خط استالین-بوخارین و پیش برد سیاست ناسیونالیستی سوسیالیسم در یک کشور در واقع پایان دادن به این دستاورد های فکری بود. از این تاریخ به بعد سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی نه تابع منافع انقلاب جهانی بلکه تابع منافع کشور شوروی بود. رهنمود ها و توصیه های آن ها به دیگر احزاب کمونیست به تازگی های عم انگیزی منجر شد. در رابطه با چین، از طریق کمینترن حزب کمونیست چین را وادار کردند تا خود را منحل کرده و در کومین تانگ ادغام کند. تبعیت حزب کمونیست چین از چین رهنمودی موجب شد تا کومین تانگ هزاران نفر از کادر های برجسته حزب را در شاتنگهای قتل عام کند. رهبری حزب کمونیست چین با تصحیح سیاست خود دست از تبعیت کورکورانه از کمینترن و حزب کمونیست اتحاد شوروی برداشت و به آنه که کومین تانگ ضد کمونیست را در کمینترن به عضویت پذیرفته بودند اعتراض کرد. برای حزب کمونیست چین حمایت از رژیم ضد انقلابی چیتانگ پذیرفتنی نبود. همین انحراف از اصل انترناسیونالیسم کارگری در جریان جنگ های داخلی اسپانیا نیز تکرار شد. در جریان این جنگ ها جمهوریخواهان از طرف تمامی نیروهای مترقی در سراسر جهان حمایت می شدند. انقلابیون مارکسیست دیگر کشور ها، دسته دسته از مرزهای فرانسه می گذشتند تا برای کمک به جمهوریخواهان در نبرد علیه فاشیست ها به آن ها ملحق شوند. حزب کمونیست اتحاد شوروی با تحت فشار قرار دادن حزب کمونیست فرانسه این حزب را وادار کرد تا از دولت بخواهد با کنترل مرز ها جریان پیوستن انترناسیونالیست ها به جمهوریخواهان را سد کند.

خلاصه بگویم از این دهن کجی ها به جنبش های انقلابی از سوی کسانی که مدعی هواداری از اندیشه های مارکس بود ه اند قبلاً هم وجود داشته است. آقای چاوز تجربه نخستین نیست. ولی این به هیچ وجه از درخشش اندیشه های مارکس در لجنزار سیستم سرمایه داری نمی کاهد. همانطور که قبلاً اشاره شد برای مارکس مهم اتحاد کارگران در سطح بین المللی است.

**سوال سوم:** چاوز حتی پس از فروکش کردن تظاهرات وسیع توده ای سفری هم به ایران داشت. او برای نشان دادن خلوص نیت خود به همراه چند زن همراه خود به دیدار امام رضا رفت در این باره نظراتان چیست؟

**پاسخ سوم:** ببینید در همان سوال اول به این مسئله تا حدودی اشاره کردم. وقتی صحبت از منافع است و منافع کشوری قطب نمای حرکت می شود اصول انقلابی کم کم فراموش می شوند. چاوز بخوبی می داند که امثال اسانلو از رهبران جنبش کارگری ایران در زندان هستند. خوب می داند که زیباتش را به دلیل دفاع از کارگران برده اند. خوب می داند که زنان در ایران تا چه اندازه زیر فشار هستند. خوب می داند که جوانان چه زجری می کشند. ولی به همه این ها بی توجه است و منافع اقتصادی کشورش را قطب نمای حرکت قرار می دهد. در این مسیر فرصت طلبی را به جایی می رساند که بر سر همکاران زنش چادر و چاقچور می کند و دسته جمعی به زیارت امام رضا می روند. چاوز از میزان نفرت مردم دنیا ایران و رژیم کودتایی احمدی نژاد مطلع است ولی همین را وسیله ای قرار داده تا امتیازات بیشتر و جدیدی از احمدی نژاد کسب کند. چاوز پس از دیدار از امام رضا راهی ونیز ایتالیا شد تا به همراه کارگردان تماشگر فیلم زندگی اش باشد. خوب در این سفر ها و مصاحبه های دور دنیایی چاوز از احمدی نژاد دفاع می کند و بر چهره زخمی و خون آلود این رژیم مرخم می گذارد. ببینید چقدر جوانان ما کشته شدند، چقدر شکنجه شدند چقدر جوانان ما پس از تحمل شکنجه های آن چنانی در کنج خانه های خود محزون و بهت زده گوشه گیر شده اند. چاوز با تبلیغات خود در سطح جهانی به نفع احمدی نژاد بر این واقعیات پوشش می گذارد. نتیجه چه می شود؟ بنزین مورد نیاز ایران را ونزولا با قیمتی به مراتب بیش از بهای جهانی آن وارد بازار ایران می کند. چاوز در واقع دارد به شیوه انگلی از قبل خون بر زمین ریخته ام تال ندا اق سلطان و سهراب اعرابی و

## من؟ ک کارگر زنم؛ جرم ا؟ زن است

جهان زنان

به هر گوشه زندگی مان که نگاه کنیم کارگرانی زحمت کش راحتی ما را فراهم می کنند، که بسیاری شان زنان کارگراند که نه تنها نادیده گرفته می شوند، بلکه بسیار هم مورد اجحاف قرار می گیرند. با این زنان که حرف می زنی و اشک هایی را که می بینی و قدرتی را که حس می کنی، باورت می شود که چقدر از قافله عقبی و چقدر کور در زندگی ات غرقی و چنان خودت را می بینی که وقتی زنی در فرقه سبزی های مرتب و دسته کرده را می فروشد، بی اینکه به زن بگویی، خسته نباشید، می گویی، به چه سبزی ای!!

چه فکر می کنیم همیشه درباره زنان کارگر، زنانی که دست هاشان پینه بسته و اشک چشم هاشان خشک شده، اما با غرور سر را بالا نگه می دارند و نان بازوی خودشان را می خورند.

یازدهم اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر است. چقدر در این روز زنان کارگر دیده می شوند، زنی که با کفش های تنگشان می دوند تا آینده فرزندانشان را روشن کنند. ای کاش دست کم در این روز از کنار کارگرانی که در ایستگاه اتوبوس می بینیم، زنی که در رستوران میزبان را پاک می کند، دختری که برای نظافت به خانمان می آید، بی تفاوت رد نشویم. ای کاش دست کم در این روز با یک لبخند در را بر روی مستخدم اداره باز کنیم، ای کاش در این روز آن زن را به یاد بیاوریم که می گفت: «از کودکی هیچ کس مرا نمی خواست، پدر و مادرم که مردند، آواره خانه این و آن شدم، همه م یگفتند اگر پسر بود می شد برایش کاری کرد، اما دختر نمی خواهم».

زنی که از فرط بی کسی در شانزده سالگی ازدواج می کند و از مرد معتادش جدا نمی شود که سایه مرد بالای سرش باشد، زنی که شب و روز سبزی پاک می کند تا کودکش به مدرسه برود و از مردش کتک نخورد، زنی که می گفت: تا پیش از این که حامله شوم، نان خشک جمع می کردم و آب می زدم و می خوردم؛ حامله که شدم برای بچام شیر می خوردم، بچه که به دنیا آمد بزرگ که شد، و بچه بعدی هم؛ روزی بس که از کارهای یک روزه و دست فروشی، کلافه شده بودم، چند بسته سبزی خریدم، تمیزشان کردم و به یک مدرسه دخترانه بردم و به معلم ها فروختم بسته ای ۲۰۰ تومان، مدت ها بود که غذای گرم نخورده بودیم. شب با چند تخم مرغ و گوجه فرنگی خانه رفتم، شام که درست می کردم، اشک می ریختم، سفره گذاشتم و به بچه هایم گفتم «بیباید غذا بخورید»، خوشحالی بچه هایم دور سفره باعث شد که اشکم تا صبح قطع نشود.

زن این کار را ادامه داد، آنقدر که مشتری های ثابت پیدا کرد و حالا نزدیک به چهار سال است این حرفه اش شده است، روزی یکی از مشتریانش به او و فرزندانش هدیه ای می دهد، زن تعریف می کند: هدیه را که باز کردم یک دست کامل لباس نو بود، مانتو، شلوار، روسری، حتی جوراب و برای بچه هایم هم همین طور، به جای این که لباس ها را ببینم یا ببوشمشان لباس ها را بغل کرده و می ببودمشان، آخر من هرگز عطر لباس نو را حس نکرده بودم، اولین بار بود در زندگی، که اصلا لباس نو می دیدم.

زن حالا توانسته بود فرش و یخچال دست دوم بخرد، اما چادرش را کنار می زند و جای دندان های نداشته اش را نشانم می دهد: می گوید، برای خانه ای سبزی بردم که از پله هایش افتادم و چهار دندان با هم رفت، حتی نمی توانم به برگرداندن دندان هایم فکر کنم، آنچه درمی آورم، گرچه آنقدر است که دیگر برای سیر کردن فرزندانم در گوشه خیابان دنبال نان خشک نگردم اما، آنقدر هم نیست که برای درست کردن دندان هایم حرامش کنم.

از او می گذرم، از زنی که بعد از چهار سال سبزی پاک کردن دستانتش به رنگ گل سبزی در آمده بود و بوی سبزی می داد. هرگز به این فکر نکرده بودم که ممکن است چه کسی پشت سبزی های تمیز و خرد و خشک شده باشد که توی ماهی تابه، جلز و ولز می کند و من با خیال راحت یک تخم مرغ در آنها می شکم و دلم خوش است که غذا درست کردم. هرگز به این فکر نکرده بودم که وقتی در یخچال را باز می کنم و یک قاشق بزرگ پیاز داغ آماده برمی دارم و خالی اش می کنم ته قابلمه، اشک چشم زنی برایش خشک شده است، زنی که پسرش معلول است و شوهرش جانباز شیمیایی ای که پرونده اش سوخته و هزینه های درمانش از اشک چشم و بوی دامنی پیاز داغ تامین می شود. هرگز به این فکر نکرده بودم که وقتی خسته به خانه م یایم و چنان هم راه روی فرش می افند و خستگی ام را فرش می خورد، زنی پشت دار قالی آنقدر شانه زده که صدای شانه زدن، موسیقی متن زندگی اش شده، زنی که از شوهر کراکی اش جدا شده اما هنوز بعد از ده سال تنها بودن کسی نمی داند که همسر ندارد، کفش های مرادنه همیشه پشت در دهان همسایه ها را می بندد که مرد در خانه است و

کیانوش آسا و بقیه جان باختگان و شکنجه شدگان ارتزاق می کند. رفتن به حرم امام رضا که سهل است اگر از او می خواستند در مراسم عزاداری امام حسین سینه و زنجیر هم بزنند قبول می کرد. این ها همه با سنت مارکسیست های انقلابی که اصول را فدای منافع کوتاه مدت نمی کردند متفاوت است.

**سوال چهارم:** شما در صحبت هایتان اشاره ای داشتید به بعضی از احزاب چپ آمریکا و اروپا که آنها هم روش هایی مشابه روش دولت ونزولا داشتند. آیا تحولی در این سازمان ها پس از تظاهرات مردم ایران نمی بینید؟

**پاسخ چهارم:** وقتی صحبت از این احزاب می کنیم اول باید یک خط فاصل روشن بین احزاب رویزیونیست برادر که در زمان حیات اتحادشوروی دور آن جمع می شدند و بقیه احزاب چپ بکشیم. در سال های ابتدایی حیات جمهوری اسلامی این احزاب به پیروی از مسکو و پذیرش تحلیل های سیاسی حزب توده، جمهو ری اسلامی را ضد امپریالیست ارزیابی می کردند و بر اتحاد با آن پافشاری می کردند. کیانوشی دبیر اول حزب در همان سال ها در جلساتی که به نام پرسش و پاسخ داشت در باره مسائل مختلف سیاسی اظهار نظر می کرد. او اپوزیسیون چپ انقلابی را که با ارتجاع جمهوری اسلامی مبارزه می کرد عوامل امپریالیسم می نامید. به زعم او این اپوزیسیون از شبکه های امپریالیستی کمک می گرفت مشابه همین روشی که بعضی از احزاب چپ در اروپا و آمریکا نسبت به جنبش اعتراضی در ایران اتخاذ کرده اند. آن موقع همین روش مورد استفاده حزب توده بود. و احزاب رویزیونیست برادر به آن تاسی می جستند. ولی حالا این احزاب برادر در پیوند با حزب توده که یکسره سبز شده است از احمدی نژاد انتقاد می کنند. در همین ونزولا، حزب کمونیست آن کشور از نوع توده ای اش از مواضع چاوز در رابطه با ایران انتقاد کرده است. احزاب چپ دیگری هم در ونزولا هستند که نه تنها سیاست چاوز از حمایت از دولت کودتایی احمدی نژاد را مورد انتقاد قرار داده اند بلکه در رابطه با رشد بسیار گسترده سرمایه های ایران در ونزولا که اغلب به سپاه پاسداران متعلق است هشدار داده اند. رشد این سرمایه ها که جانشین سرمایه های آمریکایی می شوند با منافع کارگران در تضاد افتاده است. احزاب دیگری در اروپا و آمریکا هستند که پس از انتخابات دهم مواضع جدیدی اتخاذ کردند. احزابی چون حزب کارگران سوسیالیست در انگلستان و آی اس او در آمریکا که تا قبل از انتخابات از احمدی نژاد به دلیل مواضع به اصطلاح ضد امپریالیستی اش دفاع می کردند در یک چرخش جدید به حامیان جنبش اعتراضی پیوستند. ولی هنوز هم هستند احزاب کوچکی که در جسیونک ضد امپریالیست گیر کرده اند و قادر به درک ماهیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی نیستند. بد نیست آنها یکی از خبرنگارانشان را به ایران بفرستند تا از نزدیک چماق بسیج ضد امپریالیست را تجربه کند.

**سوال پنجم:** ضد کمونیست ها درون جنبش سبز از ارتباط دوستانه چاوز و احمدی نژاد سوء استفاده کرده به تبلیغات ضد کمونیستی خود وسعت می دهند. در این باره چه نظری دارید؟

**پاسخ پنجم:** لبرال ها و نئولیبرال ها در جنبش سبز حضور دارند. آنها هیچگاه و در هیچ فرصتی حمله به کمونیست ها را از دست نمی دهند. سایت پر بیننده بالاترین را نگاه کنید. سایتی که قرار است اخبار جنبش سبز را منتشر کند. این سایت در جریان سفر چاوز هرچه مهمل خواست به جنبش کارگری و کمونیستی نسبت داد. اخبار و گزارش های سازمان های چپ ایرانی و غیر ایرانی هیچ جایی در این سایت ندارند. بخشی از روحانیت شیعه هم پس از انتخابات دهم به جنبش سبز پیوسته است. این ها هم از موضعی بسیار ارتجاعی با مستمسک قرار دادن سفر چاوز به ایران به انتقاد از رژیم کودتا می پردازند. دفتر تحکیم وحدت پس از پخش اعترافات بزور گرفته عبدالله مومنی در نامه اعتراضی که می نویسد در تقابل با رژیم کودتا آنها را به اتحاد با دول کمونیست چین و ونزولا متهم می کند. این ها بخش هایی از جنبش سبز هستند که برای تحت فشار قرار دادن کودتا گران رقیب از سلاح انت ی کمونیسم استفاده می کنند. آنها همزمان خود را دنباله روان واقعی خط امام نیز معرفی می کنند. به نظر من فعالین سیاسی چپ ایرانی باید برای مردم توضیح دهند که اینگونه سیاست های چاوز نه ناشی از اعتقاد او به سوسیالیسم مارکسی بلکه دقیقاً به دلیل انحراف از چنین سوسیا لیسمی است. سوسیالیسم مارکسی در همبستگی زحمتکشان جهان و پیوند جنبش های انقلابی تعریف می شود. همانگونه که شما هم در بخش سوال اولتان اشاره کردید کنگره 14 سازمان کارگران انقلابی ایران در قطعنامه های پایانی خود بر این مهم انگشت گذاشته است.



## زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر

بیانیه رسمی شماره 3 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 به ضمیمه گزارش شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 از وقایع و برنامه های روز کارگر در شهرهای مختلف ایران

کارگران و عموم مردم مبارز!

همان طور که در دو بیانیه ی پیشین این شورا آمده بود، روز اول ماه مه امسال، فرصتی دیگر بود برای رساندن صدای اعتراض کارگر ان و بیان خواسته های ایشان

کارگران ایران هم زمان با دیگر هم طبقه ای های خود در سراسر جهان، در حد توان و علی رغم سرکوب گسترده در مراسم های این روز شرکت نمودند. در گزارش ذیل قصد داریم با رویکردی واقع بینانه سطح شرکت کارگران در مراسم های این روز و نیز سطح سرکوب گری حاکمیت سرمایه داری در ایران را پیش روی همگان قرار دهیم

در برخی مناطق مراسم ها مطابق فراخوان این شورا و در دیگر نقاط مطابق ابتکار عمل و ملاحظات محلی مراسم برگزار شده است. نوع شعارها و اعتراضات انجام شده غالباً در اعتراض به بی حقوقی هایی چون حقوق معوقه، سطح پایین دستمزد، حذف یارانه ها و از این قبیل بوده است. عواملی همچون زمان کم برای تبلیغ، امکانات و رسانه های محدود برای نشر فراخوان یا فراخوان ها، تفاوت در زمان و مکان های اعلام شده توسط منابع مختلف، از جمله عواملی بوده است که در کمیت و کیفیت شرکت کنندگان در مراسم ها اثرگذار بوده است. از جمله در اقدامی توسط صدای امریکا و از زبان سازگرا، کل مراسم به بوق زدن در ساعت یازده تقلیل داده شد و سعی در تحریف خواسته ها و مطالبات شد

و یا رادیو فردا ساعت مراسم را، ساعت یازده صبح اعلام نموده بود اما دو عامل اساسی و پُر وزن در نحوه و سطح برگزاری مراسم های اول ماه مه - و دیگر جنبه های مبارزاتی کارگران - همانا سرکوب گسترده و افسارگسیخته ی حاکمیت سرمایه داری از یک سو و سطح آگاهی طبقاتی و سطح مبارزات جنبش کارگری از سوی دیگر است. هر گرایش فکری، خود درک خاص خود را از می زان وزن واقعی این دو فاکتور دارد.

امیدواریم گزارش این شورا، در تحلیل جریانات کارگری برای واقعی دیدن وزن هر کدام از این دو عامل مفید واقع شود. اما ما در اینجا قصد تحلیل و اظهار نظر در این زمینه را نداریم و به انجام گزارشی عینی و تا حد توان خود تکمیل، از اتصالات و مراسم ها بسنده می کنیم.

همچنین در اینجا لازم می دانیم ضمن تشریح یکی از اهداف اصلی اقدامات این شورا، توضیحی به برخی ملاحظات، نگرانی ها و نقد هایی که به هنگام انتشار بیانیه های یک و دو این شورا از جانب برخی جریانات کارگری شده بود، اضافه کنیم

از جمله نگرانی ها، مساله توازن قوای کارگران در مقابل حاکمیت و احتمال سرکوب و دستگیری و " هزینه ی " بالایی که پاسخ به فراخوان ما می توانست در پی داشته باشد، بود

این شورا تلاش نمود با مطالباتی نمودن شعارها و اعتراضات، تا سر حد توان خود جنبه ی طبقاتی سمت و سوی اعتراضات و تجمع های روز جهانی کارگر در ایران را تقویت نماید. به جای بی عملی و یا وادادن میدان عمل به جناح های سرمایه داری اعم از اصلاح طلبان و یا اصولگرایان و یا جناح های سازشکار موجود در جریانات کارگری، ما این وظیفه را بر خود مبرم دانستیم که با طرح مشکلات مختلف سیاسی-اقتصادی-اجتماعی موجود در جامعه ی سرمایه داری ایران و طبعاً در سطح جهان، بر رویکرد رادیکال و کارگری و طبقاتی و بر لزوم تشکل محوری مبارزات توسط کارگران تاکید کنیم. ما بر این نکته ی اخیر کراراً در بیانیه شماره دو تاکید کردیم که کارگران راهی جز مبارزه با ابزار تشکل های مستقل کارگری ندارند

خوشبختانه تا حدی بیش از انتظار ما، بیانیه ی شماره یک و دو این شورا مورد استقبال گروه ها و جریانات مدافع طبقه ی کارگر قرار گرفت. با حمایت رسانه ای، تبلیغی و انتشاراتی آنان این بیانیه ها در سطح وسیعی منتشر شد و به عنوان یک جایگزین رادیکال به جای تمامی این همه مفاهیم و راه حل های ارائه شده توسط جناح های سرمایه داری - و مثلاً اصلاح طلبان و رسانه های غربی حامی آنان - توانست طرح گردد. اگر نه در همه جا، اما در میان بخش های گسترده ای از عموم مردمی که از طریق اینترنت خوراکی های شبانه روزی لیبیرالی و نو لیبیرالی به خوردشان داده می شود، این بیانیه ها مطرح گردید و به اندازه ی خود چالش برانگیز شد. تا جایی که اصلاح طلبان و "سبز ها" از درج کامل بیانیه ی شماره دو هراسیدند و آن را سانسور نمودند. اما نتوانستند از رسمیتی که این بیانیه با حمایت جریان های کارگری یافته بود، بگریزند و بالاخره ناچار شدند دست کم به انتشار این بیانیه اشاره کنند. از طرفی ما

این زن بی کس نیست. ده سال پیش خانه های مردم را تمیز می کرد، بدترین روز زندگی اش وقتی بود که پیرمردی که دو سال پرستارش بود مرد. حالا باید چه می کرد، دوباره به خانه های مردم بازگشت، اما این بار خیری در راهش قرار می گیرد، تا بتواند هنری را که از چهار سالگی داشته اما به خاطر نداشتن سرمایه نتوانسته دنبالش کند، با سرمایه او آغاز کند. حالا حتی شاگردانی دارد که قالی بافی را یادشان می دهد، دخترکاتی که در ابتدای جوانی اند و فکر می کنند: شاید روزی این هنر به دردتان بخورد

به هر گوشه زندگی مان که نگاه کنیم کارگرانی زحمت کش راحتی ما را فراهم می کنند، که بسیاری شان زنان کارگراند که نه تنها نادیده گرفته می شوند، بلکه بسیار هم مورد اجحاف قرار می گیرند. در محیط های کار مردانه و در جامعه ای مردانه تر، زنی که مسنول حراست یک شرکت بزرگ نیمه دولتی است، می گوید: تمام همکارهایم مرد هستند و می دانند که من مطلقاًم. آنقدر نگاه ها سنگین است و پیشنهادهای کریمه که مرتب در بخش های مختلف شرکت جایجا می شدم، حالا چند سالی است که در حراست مادام، اما جرات ندارم جواب سلام همکاری را بدهم، چرا کاسرد است و من هم بی شوهر. از طرفی دیگر اگر پا به پای مردان کار کنی حتی بهتر از آن، هرگز ارتقای سمت پیدا نمی کنی، آخر مردها آنقدر هستند که نوبت تو نرسد و از آن بدتر کارفرما آنقدر ترسو است که از عکس العمل دیگران پس از ارتقا دادن به یک زن بترسد

زنی که در یک کارخانه داروسازی کار می کرد و کمی باسوادتر از دیگران بود و سرپرست خانوار، می گفت: در کارخانه با کسی مشکل ندارم، حتی کارخانه ما مهدکودک هم دارد. مشکل من که شاید مشکل خیلی های دیگر هم باشد، قوانینی است که از سوی وزارت کار مرتب تغییر می کند و حالا هم همه نگویند قانون کاهش ساعت کاری زنان هستیم، قانونی که احتمالاً همه ما را بی کار می کند. طبیعی است کارفرمایی که می تواند مردی را استخدام کند که دو ساعت از من بیشتر کار می کند قرارداد مرا تمدید نمی کند و حق هم دارد. من هم جای او بودم همین کار را می کردم، چرا باید با یک مبلغ پول دو ساعت کمتر، کار دریافت کند

همه ما در زندگی دغدغه هایی داریم، اما شاید همیشه چنین دغدغه هایی را تنها در فیلم ها می دیدیم. با این زنان که حرف می زنی و اشک هایی را که می بینی و قدرتی را که حس می کنی، باورت می شود که چقدر از قافله عقبی و چقدر کور در زندگی ات غرقی و چنان خودت را می بینی که وقتی زنی در فرقه های سبزی های مرتب و دسته کرده را می فروشد، بی اینکه به زن بگویی، خسته نباشید، می گویی، به چه سبزی ای!! منبع: ایلنا

آوریل 30, 2010

## نامه یک مادر به بهار به مقامی

بهاره نازنینم، جنگ جوی کوچکم، درد نامه هات را که خواندم، اشک ریختم، فریاد زدم، لعنت کردم، نفرین کردم، و از خود پرسیدم که چه باید کرد. من نیز دختری دارم که هم نام و هم سن تو است. دختری که در یک کشور بیگانه آزاد، تصمیم می گیرد به چه کسی رأی دهد، رأی او دزدیده نمیشود، و به خاطر ایدهاش به زندان نمی افتاد، به او تجاوز نمیشود، و جوانیش به سرعت نمی رود. میدانم، آموزگار کوچکم، تو به چه دلیل زندانی شدی، مورد اهانت قرار گرفتی، و روح و جسمت به تجاوز کشیده شد.

دل قوی در، که بهار در راه است. آنها میخواهند که تو را ضعیف ببینند. آنکه باید شرمند باشد، نتواند به چشم مادر، پدر، برادر و نسل های آینده بنگرد، آنان هستند، نه تو گل کوچکم. تویی که به خاطر آزادی مام وطن شکنجه شدی. شکنجه راه های بسیار دارد و یک از آنها همین است. به آن به عنوان یک وسیله نگاه کن، که تو را از پای بیندازد. نگذار که آنها موفق شوند، نگذار تو را خرد و ناتوان ببینند. تو آموزگاری. اینک رسالت دیگری داری. به آنان که توان نوشتن ندارند، بیاوز که باید به پاخیزند، چشمهایشان را با افتخار به دیگران به دوزند و بگویند ما برای شما شکنجه شدیم، اما از پای نیفتادیم. روزی یآوری خواهی یافت که با مردانگی آتش تمامی دردهایت را التیام بخشد، تو را مانند خداوند عشق بپرستد و بر دیدهات بوسه زند، و بر دستانت بوسه زند، همانگونه که من از راه دور به آن بوسه میزنم. با افتخار به تو، دختر پر غرور ایرانیام. آرینا سیدی آوریل 30, 2010

تا حد توان توانستیم با ارائه تحلیلی از وضعیت روز به پیشنهاد راه حل های رادیکال بپردازیم و این در حالی بود که علاوه بر سرکوب و فریب جناح سرمایه داری در اردوی اصولگرایان، جناح سرمایه داری اصلاح طلبان و در راس آنان موسوی و کروبی تلاش نمودند با تیریک نامه های دغل کارانه ی خود به مناسبت روز جهانی کارگر، ضمن تقلیل و تحریف مطالبات کارگری، کارگران را دعوت به مبارزه برای بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی نمایند!

کارگروهی و قوی بخش انتشار شورا، در کنار حمایت گسترده ی جریان های کارگری و خارج و داخل منجر به طرح شعارهای طبقاتی، و راه حل ها و گزینه های سوسیالیستی مخصوصاً برای جوانان گردید

تا اینجای کار ما به هدف اولیه خود رسیده بودیم اما گزارشی که در پی می آید نشان دهنده ی این است که مراسم ها و تجمعات برگزار شده در این روز تا چه حد مطابق هدف ما برای طرح خواسته ها و راه حل های رادیکال آن و جلوگیری از سم پراکنی جریانات اصلاح طلب یا اصولگرا برای "تعویض" مطالبات و راه حل ها با انواع سرمایه داری آن، برگزار شده است. در حد قد و قواره ما و بدنه ی کارگری که به این شورا اعتماد داشتند، بخشی از این هدف نیز برآورده شد، اما ما قصد اغراق در هیچ وجهی از آن را نداریم و امید داریم با گسترش اتحاد میان نیروهای رادیکال در جنبش کارگری هر روزه با قدرت، کمیت و کیفیت بیشتری با سازماندهی سوسیالیستی مبارزات کارگری و از جمله برپایی مراسم اول ماه مه، به انجام وظایف طبقاتی خود دست بایزیم

امید که بدنه ی کارگری رادیکال و پر تعداد تری در آینده ی نزدیک مبارزات، وظایف سنگین تری را بر عهده بگیرد و بدون شک ما نیز به عضو کوچکی از آن، در انجام سهم خود شتاب خواهیم کرد و بالاخره از تمامی خانواده هایی که در هر کدام از مراسم های روز جهانی کارگر، فردی از خانواده ی آنان دستگیر شده است درخواست می کنیم با ارسال اسامی این عزیزان (از جمله 15 نفر دستگیر شده در تهران و در مقابل وزارت کار) و سه نفر دستگیری شده در شهر سسندج، به ما یاری نمایند تا با ایجاد یک کمیون اعتراضی سراسری برای آزادی هر چه سریع تر این عزیزان تلاش نماییم

در پایان این شورا ضمن حمایت خود از حرکات اعتراضی این روزها توسط معلمان (که خود یکی از اقشار طبقه ی کارگر هستند)، یار دیگر بر لزوم پیوند و اتحاد میان جنبش های مختلف دیگر از جمله زنان، دانشجویی، حقوق کودک تاکید می نماید و از همه ی فعالینی که در برگزاری مراسم و اعتراض های روز جهانی کارگر تلاش نموده اند تشکر می نماید.

این شورا خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگر می باشد و برای آزادی این عزیزان از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

این بیانیه را با یادآوری بخش پایانی بیانیه های پیشین به پایان می بریم که ما کارگران را دعوت به طرح اعتراضات و مطالبات در هر فضا و امکان و با محوریت مبارزات آگاهانه و تشکل محورانه می نماییم هر روز، روز جهانی کارگر است و کارگران باید با تقویت و یا ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی خود برای پیشبرد خواسته های خود تلاش و مبارزات خستگی ناپذیر کنند.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر  
پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی کارگران  
شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89  
اول ماه مه 2010 - یازده اردیبهشت 1389  
\*\*\*\*\*

گزارشی که در پی می آید حاصل گزارشات واصله به شورا تا پایان روز اول ماه مه - یازده اردیبهشت - می باشد. بخش اعظمی از این گزارشات به طور مستقیم به شورا گزارش شده است، اما بخش هایی از آن نیز از منابع دیگر اخذ شده است:

گزارش مراسم روز جهانی کارگر سال 89  
در تهران، اطراف میدان انقلاب از صبح در محاصره ی نیروهای امنیتی اعم از یگان ویژه، پلیس و لباس شخصی ها ی اطلاعاتی درآمده بود (فیلم منتشر شده توسط شورا). همچنین صدها تن از نیروهای امنیتی در ورودی وزارت کار، تا خیابان بهبودی، به سمت شمال، خیابان جیحون تا آذربایجان و آذربایجان تا رودکی، تمامی خیابان های اعلام شده توسط شورای برگزاری برای مراسم را به محاصره در آوردند؛ (مراجعه شود به فیلم منتشر شده توسط شورا). در بخش شمالی محوطه ی وزارت کار نیز چندین ماشین سرکوب و صدها نیروی امنیتی آماده به حمله حضور

داشتند. همچنین در محوطه ی پلیس راهنمایی رانندگی نیش تقاطع انقلاب-رودکی در حدود بیست ماشین یگان ویژه ی سرکوب آماده به حمله بودند و نیروهای آنان نیز در حالت آماده باش به سر می بردند. در یک مرحله موتور سواران سرپاوشیده، به صورت چراغ روشن به قصد ارباب مردم و ضرب و شتم حاضرین در پیاده روهای خیابان های مسیر برنامه به حرکت درآمدند. در ساعت شش و نیم عصر هنگامی که تعدادی از حاضرین شعارهای اعتراضی سر دادند، مورد حمله ی نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند. برخی شعار های آنان بدین قرار بود: "مرگ بر دیکتاتور"، "کارگر زنده باد". (مراجعه شود به فیلم منتشر شده توسط شورا). هم چنین در ابتدای خیابان جیحون شعارهای "آزادی و عدالت این است شعار ملت" سر داده شد که جمعیت مورد تهاجم نیروهای سرکوبگر سرمایه داری اسلامی قرار گرفت. نیروهای سرکوب حتا به ضرب و کتک کاری تعدادی از زنان مسن پرداختند. هم چنین در محل مراسم و در مقابل وزارت کار در حدود 15 نفر که اکثراً جوان بودند توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند و توسط ماشین مخصوص که نوعی زندان متحرک است از مسیر منتهی به میدان انقلاب به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در میدان فاطمی نیز نیروهای امنیتی روبروی وزارت کشور مستقر شده بودند و در یک مرحله اقدام به حمله به تجمع کنندگان حاضر در محل نمودند.

در میدان آزادی، رانندگان تاکسی برای اعلام حمایت خود از سوار کردن مسافری خودداری کردند.

در مقابل مجلس سرمایه داری در بهارستان نیز، حاضرین در محل مورد ضرب و شتم انبوه نیروهای حاضر در محل قرار گرفتند در مجموع با توجه به گزارشات واصله و یا مشاهدات، جمعیتی که موفق شدند علی رغم حضور گسترده ی نیروهای سرکوب در سه مکان یاد شده، حاضر شوند جمعیتی بالغ بر سه هزار نفر بوده است. در اهواز و در مقابل اداره کار آن شهر تعداد کثیری از کارگران به ویژه کارگران لوله سازی اهواز تجمع کردند و به طرح اعتراضات خود از جمله 13 ماه حقوق معوقه ی خود، پرداختند. این مکان و هم چنین استانداری خوزستان توسط نیروهای سرکوب نیروی انتظامی و لباس شخصی ها در محاصره بوده است.

در کرمانشاه تجمع مردم و کارگران در مقابل اداره کار این شهر برگزار گردیده است (جزئیات بیشتر واصل نشده است)

در سسندج و با حضور جمعی از کارگران، فعالین کارگری و خانواده هایشان مراسم با خواندن سرود انترناسیونال و سخنرانی و شعر خوانی و با قرانته قطعنامه ی سراسری تشکل های کارگری ایران پایان پذیرفت هم چنین مراسم های دیگری در این شهر برگزار شده است که از جزئیات آن خبردقیقی به این شورا گزارش نشده است

مراسمی نیز به همین ترتیب در روز جمعه و در شهر بانه برگزار گردیده است. همچنین در سقز مراسم، در روز جمعه، با سخنرانی و از جمله توسط محمود صالحی و قرانته قطعنامه ی سراسری ده تشکل کارگری برگزار شده است. در شیراز هم کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار "سرنوشت سیاه"، "کارگر، روز بی کاری ات مبارک!" و "تا حقوق نگیریم، از پا نمی نشینیم"، در مقابل استنداردی فارس تجمع کردند.

در کرمان نیرو های امنیتی برای پراکنده کردن کارگرانی که مقابل استانداری تجمع کرده بودند، از گاز اشکآور استفاده کردند. در قزوین، هزاران تن از کارگرانی که در ورزشگاه آن شهر گردهم آمده بودند، با شعار "کارگر اتحاد اتحاد"، علیه اخراج ک ارگران و سایر مشکلات کارگری مراتب اعتراض خود را اعلام کردند

در ساعت حدود نه صبح، نمایندگان کارگران طی سخنرانی های خود خواستار پایان دادن به قرار دادهای موقت و رسمی شدن کارگران، حق بیمه، و سایر مشکلات کارگری شدند.

همچنین در شهرک صنعتی البرز تعداد کثیری از کارگران این شهرک در اعتراض به بی حقوقی هایی که بر آنان تحمیل شده است، دست به تجمع و اعتراض و سر دادن شعار زدند و به دلیل برخورد نیروی انتظامی، با آنان درگیر شدند.

در تبریز، صدها نفر از کارگران و مردم تبریز، جهت گرامی داشت روز جهانی کارگر، در مقابل اداره کلو تبریز در خیابان امام خمینی، نیمه راه - راه آهن، تجمع کرده و کارگران حاضر در محل نیز، اعتراضات خود را آغاز کردند.

این تجمع از حوالی ساعت یازده صبح آغاز شده و صدها نفر در آن شرکت داشتند و در هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شد

## روزنامه نگاران زندانی در ایران:

### شرایط هر روز سخت تر می شود

جمعی از روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان زندانی در ایران امروز جمعه دهم اردیبهشت (۳۰ آوریل) با ارسال نامه ای از داخل زندان و در آستانه روز جهانی مطبوعات، از "محدودتر شدن" فضای رسانه ای در این کشور انتقاد کردند.

روزنامه نگاران زندانی در ایران: شرایط هر روز سخت تر می شود بی بی سی: جمعی از روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان زندانی در ایران امروز جمعه دهم اردیبهشت (۳۰ آوریل) با ارسال نامه ای از داخل زندان و در آستانه روز جهانی مطبوعات، از "محدودتر شدن" فضای رسانه ای در این کشور انتقاد کردند.

در این نامه که برای وبسایت های مخالف دولت ایران ارسال شده است، امضاء کنندگان نوشته اند: "روز جهانی مطبوعات در شرایطی قویا می رسد که خود سانسوری و سانسور سازمان یافته گسترده ای علیه رسانه های مختلف ایران اعمال می گردد و دامنه آن تا حد اعمال تیرهای تحمیلی و عکس های منتخب حکومتی گسترش یافته است". روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان زندانی در بخش دیگری از این نامه، از لغو امتیاز و تعطیلی روزنامه های "مستقل و آزاد" در ایران انتقاد کرده و نوشته اند که با شدت گرفتن روند تعطیلی مطبوعات، شمار این روزنامه ها به "کمتر از شمار انگلستان یک دست" رسیده است. از اسامی آشنا در میان امضاء کنندگان این نامه می توان به عیسی سحرخیز، علی بهزادیان نژاد، م یلاد اسدی، عباس خلیل درمنکی، کیوان صمیمی، کوهیار گودرزی، حشمت الله طبرزدی و علی ملیحی اشاره کرد.

#### محدودیت در داخل و خارج از زندان

نامه روزنامه نگاران زندانی ایران در شرایطی منتشر می شود که گزارش ها حکایت از آن دارد که عده ای از روزنامه نگاران تازه آزاد شده هم با مشکل بازگشت به کار مواجهند.

روز گذشته (پنجشنبه نهم اردیبهشت) وبسایت های نزدیک به مخالفان دولت در گزارشی از جلوگیری از بازگشت به کار چند روزنامه نگار تازه آزاد شده خبر دادند.

فشار بر روزنامه نگاران در ماه های پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران باعث شد که تعدادی از آنها خاک ایران را ترک کنند و از این جهت برخی تحلیلگران سال ۸۸ را سال مهاجرت روزنامه نگاران ایرانی به خارج از این کشور نامیدند.

بر اساس گزارش کمیته حمایت از روزنامه نگاران، بعد از انتخابات جنجال برانگیز خرداد ۸۸ در ایران، نزدیک به ۱۰۰ روزنامه نگار بازداشت شدند که از این تعداد بعضی آزاد و برخی هنوز در زندانند همچنین بیش از ۲۰ روزنامه و نشریه نزدیک به طیف اصلاح طلب طی ماه های گذشته توقیف شده اند.

کمیته حمایت از روزنامه نگاران (Committee to Protect Journalists)، یکی از سازمان های بین المللی مدافع روزنامه نگاران سراسر دنیا، در گزارش سال ۲۰۰۹ خود به سرکوب شدید روزنامه نگاران در ایران در این سال اشاره کرد و ایران را بعد از چین "بزرگترین زندان روزنامه نگاران" خواند.

#### 11 اردیبهشت روز کارگر

#### درگیری کارگران و مزدوران در خیابان نواب

تهران - 11 اردیبهشت - در ساعت 1330 حدود 40 نفر کارگر که بطور دستجمعی در خیابان نواب بطرف خیابان آزادی جهت برگزاری تظاهرات روز کارگر میرفتند در پی هجوم وحشیانه مزدوران انتظامی با آنها درگیری شدند. مزدوران با میله های آهنی و باتوم به کارگران محروم و بی دفاع حمله کردند و دو نفر از آنها بشدت زخمی شده و به بیمارستان منتقل شدند.

حاضران پلاکاردهایی در گرامیداشت روز کارگر و اعتراض به وضع موجود، در دست داشتند.

نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها، در منطقه حضور گسترده ای داشتند و بنا به گفته شاهدان عینی، بیش از 40 خودروی نیروهای نظامی و انتظامی، در آنجا مستقر شده بودند تعدادی از کارگران پیشرو عسولیه نیز، در مراسم تهران و در مقابل وزارت کار حضور یافته اند. خبری که به شورا ارسال شده حاکی از آن است که این کارگران تعدادی پلاکاردها با شعارهای اعتراضی به همراه داشته اند تا در صورتی که فضای مراسم مناسب باشد، آن ها را بیرون آورند. از تجمع هایی که در اصفهان و اراک خبر برگزاری آن به دست آمده، جزئیاتی واصل نشده است

دانشجویان - مراسم هایی که در روز اول ماه مه توسط دانشجویان برگزار شده است:

در چند دانشگاه، دانشجویان به مناسبت روز جهانی کارگر دست به تجمع های اعتراضی زدند. از جمله در دانشگاه های تهران، بروجرد، مشهد، کرمان، آزاد تهران، علم و صنعت و شهرکرد

در دانشگاه تهران شعارهای "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد" و "مرگ بر دیکتاتور" و "دیکتاتور حیا کن دانشگاه رو رها کن" توسط دانشجویان سر داده شد. دانشجویان بعد از حدود ۲ ساعت تجمع اعتراضی به حضور احدی نژاد، به قصد پیوستن به صفوف کارگران دانشگاه را ترک کردند

در بروجرد و در روز جهانی کارگر در دانشگاه این شهر، کارگران و نمایندگان کارگران نیز شرکت داشتند. دانشجویان برای ابراز همبستگی و اتحاد، از کارگران برای این مراسم دعوت کرده بودند و با تاکید بر مطالبات کارگران، خواهان رفع تبعیض و ستم بر کارگران شدند. مطالباتی که دانشجویان بر آن تاکید داشتند، از جمله افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال و امنیت شغلی برای همه و افزایش امکانات رفاهی بود

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در بزرگداشت روز جهانی کارگر، علی رغم فضای سنگین سرکوب و کنترل دانشجویان امروز صبح در کلاس های درس شرکت نکردند و کلاس ها را تعطیل کردند. دانشجویان همچنین از گرفتن غذا از سلف سرویس دانشگاه امتناع کردند دانشجویان دانشگاه آزاد شهرکرد و دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز در روز جهانی کارگر و در حمایت و همبستگی با کارگران در این روز دست به اعتصاب غذا زدند

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز در بزرگداشت روز جهانی کارگر و در همبستگی و حمایت از کارگران در سالن غذاخوری دانشگاه تجمع و سرود خوانی کردند. حراست دانشگاه به دانشجویانی که مراسم را آغاز کرده بودند حمله کرده و مانع پیوستن سایر دانشجویان به آنان شد

پایان گزارش شورا

#### \* پیوندها \*

سردبیر نشریه: منصور نجفی

[mansour.nadjifi@telia.com](mailto:mansour.nadjifi@telia.com)

تلفن، فاکس ایمیل و روابط عمومی سازمان

تلفن 0049 -69 - 50699530

فاکس 0049 -69-95219010

[public@rahekarqar.net](mailto:public@rahekarqar.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekarqar.net](http://www.rahekarqar.net)

[orwi-info@rahekarqar.net](mailto:orwi-info@rahekarqar.net)

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekarqar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchap.org](http://www.etehadchap.org)

سایت رادیو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

نشر بیدار

[www.nashrebidar.com](http://www.nashrebidar.com)

نشریه انگلیسی ایران بولتن

[www.iran-bulletin.org](http://www.iran-bulletin.org)

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاما

بیانگر مواضع سازمان نیستند.



## اعتراضات گسترده در یونان به خشونت کشیده شد

بی بی سی: دست کم سه نفر در جریان راهپیمایی اعتراضی بزرگ در آتن، پایتخت یونان، که علیه سیاست های دولت این کشور برای صرفه جویی در هزینه ها برگزار شد، کشته شده اند. اعتراضات گسترده در یونان به خشونت کشیده شد. کشته شدگان در بانکی کار می کرده اند که با یک بمب آتش زاء دچار حریق شد.

شماری از ساختمان ها، از جمله اداره مالیات، نیز به آتش کشیده شده است. خشونت زمامی بروز کرد که گروهی از جوانان که به سمت ساختمان پارلمان سنگ پرتاب می کردند، با ماموران پلیس حاضر در این محل درگیری پیدا کردند.

راهپیمایی اعتراضی روز چهارشنبه (5 مه)، در حالی برگزار شده است که اعتصاب سراسری یونان را فرا گرفته است.

در جریان سومین اعتصاب سراسری در یونان که در ماه های اخیر انجام گرفته است، دهها هزار معترض در آتن راهپیمایی کردند. همزمان دو راهپیمایی بزرگ دیگر نیز، که در پاسخ به دعوت اتحادیه های کارگری برنامه ریزی شده بود، برگزار شده است. اعتصاب سراسری امروز، شبکه ترابری یونان را فلج کرده است. پروازها به یونان و از یونان به خارج، به حال تعلیق درآمده، کشتی ها در بندرها مانده و فروشگاه ها تعطیل است. بسیاری از کسانی که در اعتصاب امروز شرکت کرده اند، کارمند بخش دولتی و در واقع افرادی هستند که صرفه جویی های دولتی مستقیماً آنها را فقیرتر می کند.

دولت برنامه صرفه جویی در هزینه ها را، که از جمله شامل کاهش حقوق و مزایای کارگران و حق بازنشستگی می شود، به این دلیل مطرح کرده و به دنبال اجرای آن است که بتواند شرایط دریافت کمک های مالی بین المللی را برآورده سازد و بدهی های بزرگ خود را پرداخت کند. گزارشگر بی بی سی در آتن می گوید خشم عمومی مردم یونان نسبت به دولت و دولت های خارجی و ناخرسندی آنها از برنامه صرفه جویی در هزینه ها رو به افزایش بوده است.

مجلس یونان تا پایان هفته جاری درباره اجرایی شدن این سیاست ها تصمیم گیری خواهد کرد.

سیاست های جدید مالی دولت یونان در پاسخ به تقاضای اتحادیه اروپا صورت می گیرد که از این کشور خواسته است تا در برابر دریافت کمک های پولی این اتحادیه برای نجات یونان از بحران مالی، در سیاست های اقتصادی خود تغییراتی به وجود آورد.

سیاست های مالی و پولی جدید دولت یونان

- \* قطع پاداش های کارگران بخش عمومی
- \* قطع پاداش های مربوط به تعطیلات سالانه
- \* توقف تمامی افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگی در بخش خدمات عمومی برای سه سال

- \* افزایش مالیات بر درآمد از ۲۱ درصد به ۲۳ درصد
- \* افزایش ۱۰ درصدی مالیات ها بر سوخت، الکل و تنباکو
- \* وضع مالیات برای ساخت و ساز های غیر قانونی

کمک های مالی اتحادیه اروپا به یونان که رقمی میان ۱۲۰ - ۱۰۰ میلیارد یورو (۱۶۰ - ۱۳۰ میلیارد دلار) پیش بینی شده است، طی مدت سه سال و از این هفته به تدریج در اختیار دولت یونان قرار می گیرد. بحران بدهی های یونان موجب تضعیف یورو، واحد پول اتحادیه اروپا، شده است. این بحران باعث شده است تا یونان از اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول تقاضای وام اضطراری کند.

صندوق بین المللی پول با اعطای وام اضطراری به دولت یونان موافقت کرده تا یونان از آن برای بازپرداخت بدهی های خارجی خود که سررسید آنها فرا رسیده است، استفاده کند.

با توجه به عضویت در حوزه پولی یورو که مستلزم تبعیت کشورهای عضو از سیاست واحد پولی این منطقه است، یونانیان توقع دارند کشورهای عمده عضو این حوزه مسئولیت نجات یونان از بحران کنونی را برعهده بگیرند و با خرید اوراق قرضه دولتی این کشور، باعث بهبود اعتبار مالی آن شوند.

در همین حال، پارلمان آلمان رسیدگی به برنامه نجات مالی یونان را آغاز کرده است.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان از نمایندگان پارلمان مصرانه خواسته است با دادن وام اضطراری به یونان که توسط وزرای دارای اتحادیه اروپا تأیید شده است، موافقت کنند.

بزرگترین سهم از این وام بر گردن آلمان گذاشته شده است. خانم مرکل گفت: "مسئله ای ساده است؛ آینده اروپا در گرو دادن این وام است."

وزرای دارای اتحادیه اروپا موافقت کرده اند 80 میلیارد یورو وام به یونان بدهند که حدود 22 میلیارد یورو آن توسط دولت آلمان پرداخت خواهد شد. تامین مابقی کمک مالی 110 میلیارد یورو بر عهده صندوق بین المللی پول گذاشته شده است.

تصاویر تلویزیونی نشان داده است که پلیس به سمت گروهی از معترضان که می خواسته اند به ساختمان پارلمان حمله کنند، گاز اشک آور پرتاب کرده است.

مایکل برابانت، گزارشگر بی بی سی در آتن می گوید دهها هزار کارمند دولتی که در حال حاضر واجد شرایطند که بازنشستگی بزرگی دریافت کنند، قبل از تصویب برنامه صرفه جویی در هزینه های دولت در پارلمان، استعفا داده اند.

دولت یونان از کارمندان ارتش، نیروهای پلیس، مدارس و بیمارستان ها که از برنامه صرفه جویی دولت روحیه خود را از دست داده اند و دلسرد شده اند، خواسته است تقاضای بازخرید نکنند چون می ترسد درخواست برای دریافت حق بیمه اجتماعی شدیداً افزایش یابد و منابع وزارت دارای را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

اتحادیه های کارگری می گویند صرفه جویی های مورد نظر دولت، یونانی های کم درآمد را فقیرتر می کند.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان از نمایندگان پارلمان مصرانه خواسته است با دادن وام اضطراری به یونان که توسط وزرای دارای اتحادیه اروپا تأیید شده است، موافقت کند.

بزرگترین سهم از این وام بر گردن آلمان گذاشته شده است. خانم مرکل گفت: "مسئله ای ساده است؛ آینده اروپا در گرو دادن این وام است."

وزرای دارای اتحادیه اروپا موافقت کرده اند 80 میلیارد یورو وام به یونان بدهند که حدود 22 میلیارد یورو آن توسط دولت آلمان پرداخت خواهد شد. تامین مابقی کمک مالی 110 میلیارد یورو بر عهده صندوق بین المللی پول گذاشته شده است.

تصاویر تلویزیونی نشان داده است که پلیس به سمت گروهی از معترضان که می خواسته اند به ساختمان پارلمان حمله کنند، گاز اشک آور پرتاب کرده است.

مایکل برابانت، گزارشگر بی بی سی در آتن می گوید دهها هزار کارمند دولتی که در حال حاضر واجد شرایطند که بازنشستگی بزرگی دریافت کنند، قبل از تصویب برنامه صرفه جویی در هزینه های دولت در پارلمان، استعفا داده اند.

دولت یونان از کارمندان ارتش، نیروهای پلیس، مدارس و بیمارستان ها که از برنامه صرفه جویی دولت روحیه خود را از دست داده اند و دلسرد شده اند، خواسته است تقاضای بازخرید نکنند چون می ترسد درخواست برای دریافت حق بیمه اجتماعی شدیداً افزایش یابد و منابع وزارت دارای را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

اتحادیه های کارگری می گویند صرفه جویی های مورد نظر دولت، یونانی های کم درآمد را فقیرتر می کند. سایت خپوی راه کارگر

## برنج های آلوده همچنان وارد می شوند

اوایل مهرماه سال 88، موسسه استاندارد ایران از آلودگی 13 نوع برنج خارجی وارداتی، به فلزات سنگین از جمله سرب، روی و کادمیوم خبر داد.

موسسه استاندارد از مصرف کنندگان خواسته بود تا از خرید برنج های وارداتی با نام های آریا، خاطره، 181، مینویک، پاندا، محسن، مه کلاسیک، آفرین، مزده، کریستال، جادوگر، کمال ملکی و طویا طلایی خودداری کنند.

بحث آلودگی برنج های وارداتی در حالی مطرح می شود که آمار منتشر شده از سوی گمرک ایران نشان می دهد سالانه بیش از یک میلیون تن برنج به کشور وارد می شود که این میزان دو برابر نیاز مصرف کشور است.